

هو العليم

برنامه راهبردی تحول در نظام آموزشی حوزه

مبانی و مصادیق راهبردهای تحول

و بخش مقطع بندی تحصیلات

و اهداف مقطع عمومی

راهبردهای تحول در حوزه

شناسنامه و چکیده بحث:

موضوع بحث: بررسی چگونگی حرکت از وضعیت موجود در حوزه به وضعیت مطلوب

هدف بحث: دست‌یابی به نقاط شروع برای تحول

کلیدواژه‌ها: حوزه علمیه، تحول، مهارت‌محوری

چکیده بحث:

در این مقاله در هفت محور آموزش، تحقیقات، تبلیغ، مدیریت، فضای عمومی طلاب، فضای عمومی جامعه، فرهنگ حاکم بر زندگی طلاب، وضعیت موجود و وضعیت مطلوب به صورت کلیدواژه توصیف شده‌اند و راهبرد کلان ایجاد تحول و حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب ارائه شده است. نقطه مرکزی در وضعیت موجود، کاربردی نبودن فعالیت‌های طلاب و نقطه مرکزی در وضعیت مطلوب، تولید کیفیت در فعالیت‌های طلاب معرفی شده است و راهبرد مرکزی برای این تحول نیز مهارت‌محوری در کلیه فعالیت‌هاست.

پیش‌نیاز:

مطالب مقاله مبتنی بر اصول موضوعه و نگرش‌های زیر است:

1. حوزه علمیه، مجموعه مراکز و محافل رسمی آموزشی، تحقیقاتی، تبلیغی و مدیریتی که عهده‌دار فهم یا تبیین یا دفاع از دین است.
2. دین، برنامه خداوند برای زندگی انسان در دنیا و شبکه هستی به هدف عبور و اتصال به ابدیت است.
3. شبکه هستی، شبکه معادلات وجودی است.
4. معادله وجودی، تعیین کمیت، کیفیت، جهت، زمان، مکان و رتبه اثرگذاری و اثرپذیری موجودات بر یکدیگر است به طوری که منجر به حرکت به سوی هدفی خاص شود.
5. فهم، کشف این معادلات و روابط است.
6. تعمیق فهم، حرکت به سمت کشف روابط بیشتر است.
7. کاربرد، فعال‌سازی اثر یک موضوع برای رفع نقص است.
8. مهارت، توانایی کاربردی کردن و کیفیت‌بخشی به اطلاعات است.
9. کیفیت، اثرگذاری و اثرپذیری است که بیشترین فعال‌سازی برای رفع نقص و ایجاد تغییر را داشته باشد.
10. تحول، ایجاد تغییر در ساختارها، فرآیندها و راهبردهای حاکم بر یک سیستم به هدف تولید کیفیت برتر است.

۱. توصیف مبنا و وضعیت موجود زندگی:

اگر دین برنامه خداوند برای زندگی انسان است و اگر زندگی انسان دارای سطوح فردی و جمعی، ظاهری و باطنی، موقت و ابدی است و اگر حرکت به سمت هدف دین نیازمند تنظیم کلیه این سطوح است، آنگاه بدون مهارت برای فهم و ارائه دین به صورتی که توانایی ایجاد این تنظیم را به انسان‌ها بدهد، نمی‌توان براساس دین زندگی کرد. و از آنجایی که زندگی متوقف نمی‌شود و نیازها انسان‌ها را وادار به تلاش برای رفع نیاز می‌کند و از آنجایی که تلاش انسان‌ها در ساختار خلقت انجام می‌پذیرد و ساختار خلقت بهم پیوسته، شبکه‌ای و قاعده‌مند است، پس تلاش انسان‌ها ضرورتاً در قالب برنامه و قاعده‌مندی‌ای صورت می‌پذیرد.

پس اگر دین به صورتی عرضه نشود که توانایی مدیریت زندگی را برای انسان ایجاد کند، انسان به برنامه‌ها و مدیریت‌های رقیب کشیده خواهد شد.

و از آنجایی که تجربیات بشری در طول قرون اخیر، برنامه‌ها و مدیریت‌های نسبتاً موثری را تولید کرده و آثار تمدنی گسترده‌ای را به جای گذاشته است؛ و معارف دینی در طول این قرون، به واسطه عوامل برون‌دینی، انتزاعی‌تر و فردی‌تر شده، از حیطه‌های برنامه‌ریزی و مدیریتی فاصله بیشتر گرفته‌اند، رقابت طرح و برنامه‌ها، تجربه و فرهنگ بشری با معارف دینی گسترده‌تر و عمیق‌تر شده است.

انسان‌هایی که مخاطب دین و معارف دینی و حوزه‌های علمیه هستند نیز در طول دهه‌های اخیر، بواسطه زندگی رسانه‌ای، از موقعیت‌های رقیب حسّ بیشتری پیدا کرده و سطح دانایی آنها نیز نسبت به پدیده‌ها و وقایع افزایش یافته است. پرسش‌گری، تحلیل‌گری، نقادی، جرات و جسارت مخالفت، نیز از شاخص‌های کسانی است که امروزه مخاطب حوزه‌ها هستند. این، توصیف وضعیتی است که حوزه‌های علمیه با آن روبرو هستند، وضعیتی که هر چه زمان رو به جلو می‌رود تشدید می‌شود.

۲. وضعیت عمومی موجود در حوزه‌های علمیه:

طلاب، کتاب‌های زیادی را می‌خوانند، مباحثه می‌کنند و امتحان می‌دهند ولی کمتر اثربخشی این مطالب در رفع معضلات، مشکلات و نواقص زندگی خودشان و دیگران دیده می‌شود.

تحقیقاتی که در فضای عمومی حوزه در جریان است براساس تولیدی است که صاحب‌نظران و متخصصین فن قبلاً انجام داده‌اند، و حال دوباره بازسازی و عرضه می‌شوند. این تحقیقات در قالب برنامه کاربردی نبوده به صورت مسائلی فردی یا تئوریک ارائه می‌شوند.

تلاش عمده در مجالس و محافل تبلیغی بر ایجاد وجد و شور معنوی در مخاطب است.

مدیریت کلان حوزه با تمام تلاشی که برای ارتقاء حوزه‌ها انجام می‌دهد خروجی عملی آن حفظ وضعیت موجود و نظم‌دهی بیشتر به امور برای نظارت جامع و صحیح بر آن است.

عموم طلاب، خود را مبلغینی که موظف به انتقال پیام دین به مردم هستند می‌بینند و در مقایسه با دیگر اقشار جامعه، دست خود را از امکانات حداقلی عموم نیز کوتاه می‌بینند.

عموم طلاب، سبک و اسلوب زندگی‌ای به‌مانند فرهنگ حاکم بر جامعه دارند، حکومت رسانه بر خانه، ساعات خواب و بیداری، نوع خوراک و تحرک آنها مشابه فضای عمومی است.

عموم مردم، طلاب را به دلیل تعلق به دین و دینی بودن حکومت، توجیه‌کننده رفتارها و تصمیمات حکومت می‌دانند که از امکانات دولتی و زندگی برتر از متوسط برخوردار هستند.

این وضعیت در هفت محور در جدول زیر ترسیم شده است:

ردیف	محور	توصیف وضعیت موجود
۱.	آموزش	انبوه‌خوانی و حافظه‌محوری
۲.	تحقیقات	جمع‌آوری اطلاعات
۳.	تبلیغ	احساس‌محوری
۴.	مدیریت	حفظ و گسترش وضعیت موجود
۵.	فضای عمومی طلاب	احساس هویت تبلیغی خطابه‌ای و نارسایی در زندگی
۶.	فرهنگ حاکم بر زندگی طلاب	فرهنگ زندگی عمومی روزمره
۷.	تصور فضای عمومی جامعه نسبت به حوزه	توجیه‌کننده رفتارهای نظام و برخوردار از امکانات

۳. توصیف وضعیت مطلوب در حوزه‌های علمیه:

جدول زیر وضعیت مطلوب را در محورهای هفت‌گانه فوق‌الذکر ارائه کرده است:

ردیف	محور	توصیف وضعیت مطلوب
۱.	آموزش	طلاب دارای مهارت‌های کیفی (توانایی استفاده از اطلاعات در عمل برای ارتقاء کیفیت زندگی)
۲.	تحقیقات	تولید سیستم‌ها و مدل‌های دینی قابل رقابت با سیستم‌های بشری
۳.	تبلیغ	طلاب دارای مهارت فعال‌سازی تفکر برای افزایش مدیریت احساس در مخاطب
۴.	مدیریت	برنامه‌ریزی و اجراء برای تولید کیفیت (کیفیت‌سازی)
۵.	فضای عمومی طلاب	گسترده بودن احساس عبودیت و هویت آموزشی و مشاوره‌ای و تبلیغی
۶.	فضای عمومی جامعه	شناخته‌شدن حوزه بعنوان مشاور برتر برای ارتقاء زندگی در سطح خرد و کلان
۷.	فرهنگ حاکم بر زندگی طلاب	فرهنگ زندگی علمی

در حوزه مطلوب، طلاب نه فقط می‌دانند بلکه می‌توانند. می‌توانند از اطلاعات خود در عمل برای حل مسائل و نواقص زندگی استفاده کنند.

تحقیقات در این حوزه، صرفاً اموری انتزاعی نیستند بلکه در جهت شکل‌دهی به جریان زندگی فردی و جمعی، براساس نگرش اسلام طراحی می‌شوند.

در این حوزه، طلاب تلاش دارند هنگام تبلیغ، فضایی آموزشی ایجاد کنند تا مخاطبین نه فقط بدانند که تفکر، گرایش و رفتار برتر چیست بلکه برنامه قدم‌به‌قدم برای عملیاتی کردن آن را هم در دست داشته باشند.

مدیریت حوزه مطلوب، به‌طور مستمر به دنبال بهبود کیفیت و ایجاد تاثیر عمیق‌تر و پایدارتر است.

فضای این حوزه به گونه‌ای است که عموم طلاب، سال به سال روحیه عبودیت و بندگی را در خود قوی‌تر می‌یابند و موقعیت و نقش خود را در اجتماع، نقشی آموزشی، مشاوره‌ای و در نهایت تبلیغی می‌یابند و مهارت آموزش و مشاوره را از خود بروز می‌دهند. و به همین ترتیب فضای عمومی جامعه، با لمس فعالیت‌ها و قابلیت‌های مهارتی طلاب، آنها را مشاورانی برتر برای بهبود کیفیت زندگی و رفع مشکلات خود می‌یابند؛ سازمان‌ها و دستگاه‌های کلان، نه فقط برای اقامه نماز یا مدیریت امور عقیدتی و مناسبت‌ها، بلکه برای بهبود کیفیت سازمان و رفتارهای سازمانی، خود را به مشاوره طلاب نیازمند می‌بینند. هنگامی که ناظر بیرونی به زندگی طلاب حوزه مطلوب نگاه می‌کند، زندگی مالی یا اجرایی یا بازنشستگی را در آنها نمی‌بیند بلکه نشاط یک زندگی علمی را می‌بیند که از صبح تا شب در تلاش برای آگاهی کاربردی بیشتر است.

۴. راهبردهای حرکت تحول‌آفرین از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب:

راهبرد کلان:

از آنجایی که دانایی محوری به تنهایی تحول‌آفرین نیست به استناد «العلم یرشدک و العمل یبلغُ بک الغایه»^۱، آنچه می‌تواند وضعیت موجود را به سوی وضعیت مطلوب حرکت دهد مهارت محوری است که عنصر اصلی تحول‌آفرینی قرار گرفته است. یعنی برای حرکت به سمت وضعیت مطلوب باید اهداف آموزشی، تحقیقاتی، فرهنگی، از محور نگرشی و دانشی صرف، ارتقاء یافته به محور مهارتی برسند و در محور نگرشی و دانشی، اهداف از سطح فهم حافظه‌ای ارتقاء یافته و به سطح فهم کاربردی تعالی پیدا کنند و در محور مهارتی و رفتاری، اهداف از سطح توانایی به سطح مهارت در اجراء برسند.^۲ چنین حوزه‌ای، مهارت محور است و تلاش اساتید و شاگردان برای تولید اطلاعات لازم برای کارگیری در عمل است. طلاب چنین حوزه‌ای را فقط در حال شنیدن سخنرانی استاد در کلاس و سپس شنیدن تکرار این سخنرانی توسط هم‌بحث مشاهده نخواهید کرد؛ بلکه طلاب را بیشتر در حال تفکر و حل تمرین و همفکری و گفتگوهای علمی و نوشتن خواهید یافت. این طلاب در مواجهه با مردم، از بیسواد گرفته تا متخصصین رشته‌های علمی و تجربی، می‌توانند به سوال «نظر اسلام در مورد..... چیست؟» پاسخ بگویند و در برابر درخواست منطق چنین نظری، استدلال کنند و نسبت به نقد و شبهات وارده به این نظر، دفاع علمی نمایند.^۳ این طلاب وقتی جایی از قرآن یا نهج البلاغه باز می‌شود می‌توانند محتوای متن را برای مخاطب به گونه‌ای بیان کنند که گویا الان مورد خطاب خداوند است و مقصود و منظور او را حس می‌کند؛ اخلاق یک عالم دینی در این طلاب نهادینه شده است^۴ و به زندگی علمی^۵ علاقه وافر دارند.

ایجاد مهارت‌های کیفی

+

ترویج فرهنگ «زندگی علمی»

^۱ غررالحکم، ص ۴۵

^۲ مقصود از کلمه «بتواند» در اهداف، این است که عمل مورد نظر به تنهایی و مستقلاً در زمان انتظاری از آن عمل، انجام شود و اثر تعریف شده را ایجاد کند.

^۳ یعنی نگرش‌های اسلام، قوانین اسلام و فرهنگ اسلام را می‌فهمند، تبیین می‌کنند، استدلال دارند و دفاع می‌کنند.

^۴ یدکرکم الله رویته، یزید فی علمکم منطقه، یرغبکم فی الاخره عمله

^۵ در برابر زندگی مالی و زندگی اجرایی

«مهارت‌های کیفی» را براساس نیازهای زندگی و محورهایی که علوم و معارف اسلام متکفل هستند می‌توان با ده شاخص توصیف کرد:

۱. مهارت ترجمه بلاغی گزاره‌های دین (یعنی توانایی انتقال حس موجود در عبارات به مخاطب)
۲. مهارت کشف مغالطات در گفتارهای روزمره و در گفتارهای علمی
۳. مهارت ارائه استدلال‌ها به صورت قالب‌های منطقی پایه
۴. مهارت تبیین نگرش، قانون و فرهنگ اسلام به صورت سیستم‌های ملموس در زندگی
۵. مهارت تنظیم قراردادهای مورد نیاز مردم براساس موازین شرعی و قانونی
۶. مهارت مشاوره برای حل و فصل اختلافات رایج حقوقی
۷. مهارت اثبات انسجام و معقولیت و کارآمدی سیستم‌های دینی
۸. مهارت اثبات برتری سیستم‌های دینی نسبت به سیستم‌های مشابه
۹. مهارت مشاوره فرهنگی و رفتاری برای حل مشکلات زندگی
۱۰. مهارت عبودیت

مهارت در دو سطح شفاهی و مکتوب و در چهار حوزه داخلی، بین‌المذاهب، بین‌الادیان و بین‌الملل

راهبردهای خاص:

در جوانب مختلف فعالیت‌های حوزه، جدول زیر مصادیق راهبردهای حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب را ارائه کرده است.

راهبردهای محورهای خاص:

ردیف	محورها	نمایه وضع موجود	استراتژی وضعیت مطلوب
۱.	کتاب‌های درسی	حرکت به سوی ساده‌سازی برای حفظ	حرکت به سوی کاربردی‌سازی برای عمل
۲.	شیوه تدریس	انتقال مطالب کتاب به علم‌آموزان	تولید مطالب کتاب توسط علم‌آموزان
۳.	شیوه امتحانات و ارزیابی‌ها	ارزیابی حافظه در انتهای هر سال	ارزیابی کارآمدی و کارایی در انتهای هر علم
۴.	اساتید	سخنرانان علمی	راهنمایان تحقیقات علمی
۵.	مدارک و مدارج علمی	معیار پرداخت در استخدام	معیار کیفیت علمی
۶.	مدارس علمیه	محل خدمات آموزشی و خوابگاهی	مرکز مطالعات و تحقیقات علوم و معارف اسلام
۷.	تحقیقات	علم‌محوری	تولید مدل و سیستم
۸.	پایان‌نامه‌ها	ابزار اخذ مدرک	حلال مشکلات زندگی فردی و جهانی
۹.	تبلیغ	سخنرانی اخلاقی	فعال‌سازی تفکر
۱۰.	تالیف	ارائه کلیات و مبانی	تولید مدل‌های اجرایی مستند به مبانی
۱۱.	نخبگان	انتخاب با معیارهای کمی و حافظه‌ای	انتخاب براساس معیارهای کیفی و تحلیلی
۱۲.	مدیریت	روزمره و مساله‌محور	آینده‌ساز و شاخص‌محور
۱۳.	خدمات	مراجعه‌ای	شهرک‌های علمی یا خدمات متحرک
۱۴.	امور مالی و شهریه	پرداخت چهره‌به‌چهره و یکسان	واریز به حساب و متفاوت براساس تولیدات علمی و فعالیت‌های مرتبط
۱۵.	فرهنگ عمومی طلاب	تلاش برای تبلیغ و اصلاح مردم	تلاش برای تولید مدل‌های زندگی اسلامی

از آنجایی که مرکز و محور عمده در حوزه فعالیت‌های آموزشی است، براساس راهبرد کلان «مهارت‌محوری» برای ایجاد تحول در حوزه‌های علمیه، راهبردهای تحول در نظام آموزشی حوزه با تطبیق بر مصادیق، در قسمت بعد ارائه می‌گردد.

برنامه راهبردی تحول در نظام آموزشی حوزه

بخش مقطع‌بندی علمی تحصیلات براساس شاخص‌ها

و اهداف مقطع عمومی

مقطع‌بندی تحصیلات براساس شاخص‌های سه‌گانه سطوح فهم و ادراک، سطوح احساس و گرایش، سطوح عمل و مهارت به شرح زیر پیشنهاد می‌گردد:

- **مقطع عمومی:** بدانند، علاقه به زندگی علمی را ابراز کند، بتواند تبیین کند و به‌گونه‌ای توضیح دهد که مخاطب از عهده تصور مطلب بریاید. برتری مطالب مورد نظر را بر موارد مشابه احساس کند، بتواند در برابر چراها استدلال منطقی ارائه کند و در برابر نقدها از منطق خود دفاع کند.
- **مقطع تخصصی:** تحلیل کند، مدل بدهد، بتواند برای عملیاتی شدن یک نظر برنامه بدهد، در برابر متخصصین دیگر از ادعای خود دفاع کند و ادعای آنان را نقد نماید.
- **مقطع فوق تخصصی یا نظریه‌پردازی:** نظریه بدهد، خلاقیت را در مسیر فعالیت خود احساس کند، بتواند دستگاه فکری منسجمی را در کرسی‌های نقد و نظر به اثبات برساند.

از آنجایی که هویت حوزه از جهت علمی، رشته اسلام‌شناسی است، پیشنهاد می‌گردد عنوان مقاطع به‌صورت زیر عنوان‌بندی شود:

مقطع اسلام‌شناسی عمومی = اسلام‌شناس عمومی (با عموم^۶ مردم روبروست)
مقطع اسلام‌شناسی تخصصی = اسلام‌شناس تخصصی (با نخبگان و اهل تخصص^۷ در علوم انسانی، تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان روبروست)
مقطع اسلام‌شناسی فوق تخصصی (نظریه‌پردازی) = اسلام‌شناس نظریه‌پرداز (با متخصصین اسلام‌شناس روبروست)

^۶ فرد عامی کسی است که در حداکثر حالت، نسبت به موضوع اطلاعات دارد، پرسش‌گر است، تحلیل‌گر براساس تجربیات خود است، مقایسه‌گر و ارائه‌دهنده موارد نقض است.

^۷ نخبه و متخصص، کسی است که قدرت تبیین، تحلیل روشمند، استدلال و نقادی را دارد.

تعریف مقطع اسلام‌شناسی عمومی در حوزه علمیه:

از آنجایی که برنامه‌ریزی‌ها براساس نیازها و اهداف صورت می‌گیرد در تعریف مقطع عمومی نیز ابتدا باید نیاز موجود به علوم و معارف اسلام در سطح عمومی بررسی شود.

نیاز موجود:

جامعه معاصر و آینده نیاز به کسی دارد که نگرش، قانون و فرهنگ اسلام را بداند و بتواند به آن عمل کند و به گونه‌ای منتقل کند که عموم مردم که سطح اطلاعات گسترده دارند و پرسش‌گر و مقایسه‌گر و نقاد هستند، به آن عمل کنند.^۸ یعنی از عموم طلاب که در دیروز انتظار می‌رفت بتوانند صرفاً انتقال دانش داشته باشند و بگویند تا مخاطب بشنود و بپذیرد، امروزه و فردا انتظار می‌رود بتوانند با مخاطبی با خصوصیات پرسش‌گری و مقایسه‌گری و نقادی طوری رفتار کنند که با علاقه به اسلام عمل کند پس:

اسلام‌شناس عمومی کسی است که دارای شاخص‌های زیر است:^۹

۱. نگرش، قانون و فرهنگ اسلام را در امور مختلف زندگی می‌داند و می‌تواند دانش خود را به گونه‌ای ارائه دهد (هم شفاهی و هم مکتوب) که:
 - ا. مخاطب بتواند مفاهیم و مطالب را تصور کند
 - ب. منطقی بودن آن را احساس کند
 - ج. برتری آن بر موارد مشابه را لمس نماید
 - د. (فراگیر) بتواند چرایی مطلب را ارائه کند
 - ه. بتواند در برابر نقدها پاسخ‌گو باشد
 - و. بتواند به سوال «براساس چه دلیل و مدرکی این مطلب را به اسلام نسبت می‌دهید؟» با استناد به منابع دست‌دوم که باید مقبولیت نسبی عمومی آنها را اثبات کند، پاسخ بگوید.
۲. بتواند متون دست‌اول اسلام را برای مخاطب عصر خود، به گونه‌ای ترجمه کند که مخاطب احساس کند در فضای متن قرار گرفته است و بتواند مقصود و مراد گوینده را با استناد به منابع تخصصی توضیح دهد.
۳. اخلاق حرفه‌ای مربوط به عالم دینی را می‌شناسد و رعایت می‌کند.
۴. پیش‌نیازهای علمی و مهارتی لازم برای ورود به مقطع تخصصی را احراز کرده است.

براساس نیاز و شاخص‌های فوق اهداف مقطع عمومی به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:^{۱۰}

^۸ یعنی وضعیت عمومی به گونه‌ای است که صرف انتقال دانش موجب پذیرش و تغییر رفتار نمی‌شود و نیاز به بازسازی دانش در مخاطب وجود دارد.
^۹ مقایسه این شاخص‌ها با وضعیت موجود در حوزه و در سند قبلی، تحول‌آفرینی منطقی و عمل‌گرا را نشان خواهد داد.
^{۱۰} به دلیل وظیفه انذار و ابلاغی که علاوه بر تفقه بر عهده طلاب است، در اغلب اهداف، توانایی ایجاد اثری در یک مخاطب مورد لحاظ قرار گرفته است. این مخاطب اعم از خود فرد یا فرد دیگر یا یک گروه است.

اهداف مقطع تحصیلی اسلام‌شناسی عمومی در حوزه‌های علمیه

این اهداف در سه گونه واحد آموزشی توزیع می‌شوند:^{۱۱}

۱. اهداف واحدهای آموزشی زبان‌دانی
 ۲. اهداف واحدهای آموزشی روش‌شناسی
 ۳. اهداف واحدهای آموزشی دین‌شناسی
- أ. اهداف واحدهای آموزشی دستیابی به کلیت و منابع دین
- ب. اهداف واحدهای آموزشی دستیابی به نگرش و عقائد دین
- ج. اهداف واحدهای آموزشی دستیابی به قانون دین
- د. اهداف واحدهای آموزشی دستیابی به فرهنگ دین^{۱۲}

^{۱۱} در کلیه این واحدها، اهدافی مانند آشنایی با هویت آن علم، تاریخچه و تحولات، ساختار، مبانی و اصول موضوعه، مسائل، منابع و شخصیت‌ها، اصطلاحات، آمادگی برای ارتقاء به سطح بالاتر... اهداف مشترک و عمومی است که از ذکر آنها مگر در موارد خاص صرف‌نظر می‌گردد. پس در تمام موارد باید اهداف زیر اضافه شوند:

- بتواند علم مورد نظر را در یک مقاله یا گفتگو طوری توصیف کند که مخاطب رابطه آن با زندگی خود را حس کند و مشتاق پیگیری اطلاعات مربوط به آن شود و منابع مطالعاتی طلب کند و بتواند تمایز آن را از علوم مشابه توضیح دهد.
- بتواند اصطلاح‌نامه برای علم مورد نظر تهیه کند.
- بتواند منابع (اعم از شفاهی، چاپی، الکترونیکی) و شخصیت‌های مطرح در این علم را به‌گونه‌ای معرفی کند که خصوصیت و تمایز آنها از یکدیگر بسته به نیاز مخاطب مشخص گردد.
- بتواند از نرم‌افزارهای مرتبط با آن علم استفاده کند.

^{۱۲} مقصود از «فرهنگ»، طرز زندگی است. این تعریف و هویت‌شناسی از فرهنگ پس از بررسی تعاریف موجود، پیشنهاد می‌گردد و این هویت، اخلاق را نیز دربر می‌گیرد لذا اخلاقیات دین در تحت این عنوان بحث و بررسی می‌شوند.

اهداف واحدهای آموزشی زبان‌دانی
(ادبیات عرب و ادبیات فارسی)

هدف مرکزی و حداقل لازم:

ایجاد مهارت انتقال پیام خداوند به مخاطب امروز
به‌گونه‌ای که مخاطب بتواند علاوه بر تصور اولیه مفاهیم، غرض متکلم را احساس نماید.
(مهارت ترجمه بلاغی قرآن و حدیث)

شاخص اندازه‌گیری:

- فراگیر باید بتواند نمونه ترجمه‌ای از قرآن بنویسد به‌طوری که خواننده پس از خواندن، ابراز کند گویا مستقیماً مخاطب خداوند بوده است و معانی آیات را حس کرده است.

اهداف تکمیلی در واحد آموزشی ادبیات عرب و ادبیات فارسی:

۱. بتواند متون علمی عربی قدیم و جدید را با همراهی کتب لغت ترجمه کند و در صورت نقد شدن، از ترجمه خود دفاع علمی نماید.
۲. بتواند برای تشخیص ریشه‌ها و وزن‌ها و ترکیب‌ها و سیاق‌های مشابه استدلال بیاورد و تفاوت آنها را در ترجمه آشکار کند.
۳. جدول لغت معنی دقیق^{۱۳} از تمام ریشه‌های کلمات قرآن و ادعیه تهیه کند.
۴. بتواند مثل‌ها و تشبیه‌ها و استعاره‌ها و کنایه‌های قرآن و نهج البلاغه و ادعیه رایج را براساس معادلات ادبی تحلیل و تفسیر کرده، معادل فارسی ملموس برای آنها عرضه نماید.
۵. بتواند تحلیل‌های ادبی در تفاسیر^{۱۴} و مباحث فقهی را با مراجعه به منابع ادبی، ارزیابی کند.
۶. بتواند بررسی تطبیقی میان سبک گفتاری و محتوایی قرآن و گفتارهای بشری در موضوعات مشابه، انجام دهد و مخاطب را قادر به مقایسه و قضاوت نماید.
۷. بتواند مقاله‌ای علمی در موضوعات علوم دینی را که حاوی آیات و روایات و نصوص تاریخی، تفسیری، فقهی و اسامی اشخاص و اماکن، کتب و اشعار است در یک مجمع علمی بدون غلط و با لحن متناسب با معانی جملات به عربی و فارسی قرائت کند و در صورت ایراد نقد به درست‌خوانی او، بتواند با استناد به قواعد ادبی، عملکرد خود را اثبات کند.
۸. بتواند مقاله‌ای به زبان فارسی یا عربی حاوی موارد فوق را که در چنین مجامعی قرائت می‌شود بفهمد و به سوالاتی که درباره آن مقاله می‌شود پاسخ بگوید.
۹. بتواند کتب اشعار، دائره‌المعارف‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی فارسی و عربی استفاده کند و به سوالاتی که درباره آنها می‌شود پاسخ بگوید.
۱۰. بتواند یادداشت‌های درسی، محتویات و بلاگ، تبادل‌های نوشتاری در اطاق‌های گفتگو و نامه‌های الکترونیکی را بدون غلط در دستور زبان و در املاء به فارسی و عربی بنویسد.
۱۱. بتواند در تبادل‌های گفتگویی در اطاق‌های گفتگو و در محاورات غیررسمی با افراد، نگرش، قانون و فرهنگ تشیع و شیعیان ایرانی را به فارسی و عربی توصیف کند.
۱۲. در استفاده از کلمات فارسی هنگام صحبت یا کتابت و معادل‌گذاری هنگام ترجمه، از کلماتی استفاده کند که بیشترین انس را با مخاطب و با ادبیات دین دارد. (برآیندی از تناسب با انس مخاطب و تناسب با کلمات و تعبیر به‌کار رفته در منابع دینی عربی)
۱۳. بتواند اشعار را بخواند و بفهمد و از اشعار و ضرب‌المثل‌های فارسی و عربی در کلام و نوشتار خود استفاده کند.
۱۴. بتواند مقاله‌ای علمی در هر یک از موارد زیر بنویسد:
 - ا. هویت زبان و ادبیات
 - ب. علم زبان‌شناسی
 - ج. سبک‌ها و ساختارهای زبانی
 - د. معجم‌شناسی و اعتبارسنجی آنها

^{۱۳} با ذکر خصوصیت متمایز از ریشه مشابه

^{۱۴} تفاسیر ادبی را اعتبارسنجی کند.

- ه. دستور زبان
- و. دلالت
- ز. نشانه‌شناسی
- ح. معنی‌شناسی
- ط. نقد ادبی
- ی. هویت بلاغت
- ک. بلاغت و اعجاز قرآن
- ل. ویژگی‌ها و تمایزهای زبان عربی
- م. هویت ترجمه و تئوری‌های ترجمه
- ن. نقد ترجمه متون دینی
- س. کتابشناسی ادبی
- ع. شخصیت‌شناسی ادبی

۱۵. بتواند برای محافل علمی و رسمی، نامه خطی با خط تحریری بنویسد به گونه‌ای که رویت‌کننده خط نامه احساس کند با فردی تحصیل کرده و منضبط مواجه است.

اهداف واحدهای آموزشی روش‌شناسی

(روش تحصیل در حوزه، روش تحقیق در علوم انسانی، منطق و معرفت‌شناسی)

هدف مرکزی و حداقل لازم: (به ترتیب واحدهای فوق)

ایجاد مهارت یادگیری به گونه‌ای که بتواند از اطلاعات در عمل استفاده کند.
دستیابی به مهارت کشف اطلاعات لازم برای حل مساله و ارائه آنها
ایجاد مهارت استدلال و نقد یک دستگاه فکری و اجزاء آن

شاخص اندازه‌گیری:

- فراگیر باید بتواند برای تصمیمات و رفتارهای تحصیلی خود استدلال آموزشی بیاورد.
- فراگیر باید بتواند در برابر هر مجهولی که به او داده می‌شود، نقشه و برنامه راه‌حل تهیه کند و اجرا نماید.
- فراگیر باید بتواند ادعای خود را با استفاده از قالب‌های منطقی اثبات نماید و مغالطات موجود در ادعای رقیب را نشان دهد.

اهداف تکمیلی در واحد آموزشی روش تحصیل در حوزه و واحد آموزشی «روش تحقیق در علوم انسانی»:

۱. بتواند هویت حوزه و طلبگی را (هم به صورت مکتوب و هم به صورت شفاهی) به گونه‌ای تبیین کند که ضرورت و کارآمدی آن در دنیای معاصر برای مخاطبی که پیش‌ذهنیت‌های غلط دارد ملموس شود.^{۱۵}
۲. فراگیر باید بتواند از انتخاب خود نسبت به طلبه‌شدن دفاع معقول نماید.
۳. تحصیل در حوزه و قرار گرفتن در موقعیت طالب علوم و معارف اسلام و انتخاب یک زندگی علمی، برای او از یک انتخاب اولیه به یک فرهنگ برتر تبدیل شود.
۴. اهمیت حرکت آگاهانه و قدم به قدم برای تحصیل را لمس کند به طوری که اقدام به برنامه ریزی برای زندگی علمی و عملی خود نماید و در برنامه‌ریزی تحصیلی بتواند برنامه کاربردی و درازمدت داشته باشد.
۵. بتواند ضرورت حرکت آگاهانه و قدم به قدم براساس نقشه علمی، برای تحقیق را اثبات کند به طوری که مخاطب بتواند نسبت به محتوای مطالعاتی که دارد اعتبارسنجی کند.^{۱۶}
۶. بتواند براساس فرآیند و روش انجام یک تحقیق علمی موجه در زمینه علوم و معارف اسلام بازتولید^{۱۷} علم کند.
۷. بتواند هندسه و شبکه بهم‌پیوسته علوم و معارف اسلام را به صورت یک دستگاه فکری و رشته علمی تبیین کند به گونه‌ای که مخاطب بتواند به سوالاتی که راجع به موقعیت هر علم و محورهای ارتباطی علوم با یکدیگر و با زندگی معاصر می‌شود پاسخ بگوید.
۸. بتوانید در مسیر تحصیل، مهارت‌های زیر را به تدریج کسب کند و به کار ببرد:

۱. مهارت سوال‌پردازی و نیازشناسی

۲. مهارت تفکر و نفوذ به مساله و تولید اولیه اطلاعات (بدون مراجعه به منابع و اطلاعات موجود)

۳. مهارت کشف ذرات و معادلات بنیادین در هر علم و مساله‌ای

۴. مهارت جستجوی ارتباطات و متغیرهای درونی و بیرونی موضوعات (مهارت نگرش شبکه‌ای)

۵. مهارت جستجوی منابع و اطلاعات موجود در مورد موضوع و مساله

۶. مهارت مطالعه

۷. مهارت انتخاب و تصفیه اطلاعات براساس کارآمدی

۸. مهارت ثبت، طبقه‌بندی، ذخیره‌سازی و بازیابی اطلاعات

۹. مهارت مطالعات تطبیقی

۱۰. مهارت شبیه‌سازی عملیاتی اطلاعات و مدل‌سازی

۱۱. مهارت آینده‌نگری و تصمیم‌سازی

^{۱۵} برای کسب توانایی در این امر نیاز به سرفصل‌های زیر می‌باشد: (این سرفصل‌ها از سند جامع نظام آموزشی حوزه علمیه خراسان که در کمیته آموزش شورای عالی برنامه‌ریزی مطرح شده است نقل گردیده است)

آشنایی با فلسفه حوزه‌های علمیه و تاریخچه آنها

آشنایی با جغرافیای جهان اسلام و تشیع

آشنایی با شخصیت‌ها، نحله‌ها و فرقه‌ها، مراکز و موسسات اعتقادی و فکری جریان‌ساز در جهان، جهان اسلام و جهان تشیع

آشنایی با تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یکصدساله اخیر ایران

آشنایی با ریشه‌های انقلاب اسلامی و نقش علماء دین در آن

آشنایی با مجموعه رشته‌های تحصیلی در علوم اسلامی و انسانی در مقاطع مختلف در داخل و خارج کشور

^{۱۶} یعنی یک طلبه علاوه بر حرکت علمی باید بتواند برای ایجاد دید علمی و تحقیقی در قشر عمومی مردم فرهنگ‌سازی کند.

^{۱۷} مقصود از «بازتولید»، تولید مجدد محصولات متخصصان و نظریه‌پردازان علم است.

۱۲. مهارت مباحثه و گفتگوی علمی
۱۳. مهارت جذب و دریافت علم
۱۴. مهارت تدوین مکتوبات علمی
۱۵. مهارت توسعه افق‌های علمی
۱۶. مهارت مدیریت زمان و برنامه‌ریزی
۱۷. مهارت بهبود مستمر
۱۸. مهارت عبودیت (با شاخص‌های مذکور در روایت عنوان بصری)

حداقلی قطعی:

بتواند سطح یادگیری خود را از فهم اولیه به فهم کاربردی ارتقاء بخشد.
و بتواند مقاله‌ای علمی براساس ضوابط یک تحقیق معیار بنویسد.

اهداف تکمیلی در واحد آموزشی منطق و معرفت‌شناسی:

۱. ذهن و فکر و کیفیت تولید و تکثر افکار را بشناسد و ضرورت تفکر خودآگاه و قدم‌به‌قدم را احساس کند.
۲. بتواند مفاهیم و تصورات خود و دیگران را به‌گونه‌ای بازسازی کند که از تصور اجمالی و کلی خارج شده و منشاء تصمیم و رفتار شوند.^{۱۸}
۳. «دستگاه فکری» را بشناسد و کیفیت پدید آمدن یک دستگاه فکری را بداند و بتواند با مهندسی معکوس به ذرات بنیادین آن برسد^{۱۹} و دستگاه را دوباره بازسازی نماید.
۴. بتواند وجود پل و رابطه میان ذهن و خارج از ذهن را ثابت کند و صدق دستگاه فکری مورد نظر خود را مستدل نماید.
۵. توانایی تجزیه و ترکیب گفتارهای روزمره و بالخصوص آیات و روایات به قالب‌های منطقی را داشته باشد و مقدمات مخفی و غیرمذکور در آنها را آشکار سازد و بررسی نماید.
۶. توانایی تشخیص و ارائه لوازم منطقی گفتارها و ادعاها را داشته باشد.
۷. بتواند رابطه منطق و ادبیات را در ضمن دستور زبان نشان دهد.
۸. بتواند رابطه منطق و قضایای اعتباری را در ضمن امر و نهی‌ها و خوب و بد‌های روزانه نشان دهد و کیفیت تولید اعتباریات از حقایق را در قالب قیاس‌های منطقی ارائه کند.
۹. بتواند در کوتاه‌ترین مسیر، استدلال کند و استدلال‌های متفاوتی برای یک موضوع تولید نماید.
۱۰. بتواند در هنگام مواجهه با یک تفکر و ادعای غلط، نه فقط مخاطب را ساکت کند بلکه نسبت به اشتباه موجود در تفکرش اقناع نماید.
۱۱. منطق جدید را بشناسد و بتواند علت پیدایش و وجوه تمایز آن با منطق قدیم را توضیح دهد و قلمرو اعتبار منطق ارسطویی را در برابر نقدهای منطق جدید مشخص کند.
۱۲. بتواند از منطق احتمالات و منطق فازی در تحلیل گزاره‌ها و قضایای روزمره استفاده کند.

حداقلی قطعی:

تواند گفتارها را به قالب‌های منطقی تبدیل کند و برهان یا مغالطه را استخراج نماید.

^{۱۸} شفافیت و انسجام دو شاخص اصلی «تصورسازی کاربردی» هستند؛ مقصود از شفافیت این است که جامعیت و مانعیت تعریف به‌گونه‌ای برای مخاطب ملموس شود که بتواند در مقایسه میان موارد مشترک، مفهوم مورد نظر را با وجه اختلافش تصور نماید. و مقصود از انسجام این است که جنس و فصل به‌کار رفته در تعریف با شبکه مفاهیم پایه در تعارض نباشند.

^{۱۹} فهرست بدیهیات را تهیه کند و کیفیت تولید گزاره‌ها از بدیهیات را در عملکرد ذهنی قدم‌به‌قدم نشان دهد.

اهداف واحدهای آموزشی دین‌شناسی

(کلیت و منابع دین^{۲۰}، نگرش و عقائد دین، قانون دین، فرهنگ و اخلاق دین)

هدف مرکزی و حداقل لازم: (به ترتیب واحدهای فوق)

۱. بتواند دین به معنی عام و دین اسلام به معنی خاص و تشیع به معنی اخص را با ارائه شواهد و مستندات^{۲۱} به گونه‌ای معرفی کند که مخاطب در فضای رقابت اندیشه‌ها و برنامه‌ها، علاقه به دیندار شدن^{۲۲}، مسلمان شدن^{۲۳}، شیعه شدن^{۲۴} را ابراز کند و برنامه قدم‌به‌قدم برای عملیاتی کردن این علاقه را در دست داشته باشد.
۲. بتواند دستگاه فکری دین و نگرش دین نسبت به هستی و اجزاء آن را با استدلال عقلی^{۲۵} و با اثبات عقلانیت مستندات نقلی^{۲۶} طوری معرفی کند که مخاطب بتواند کل هستی و موقعیت خود در آن و اهمیت این موقعیت‌سنجی را احساس کند.^{۲۷}
۳. و ۴. بتواند برای هر موضوعی در زندگی، در درون دستگاه^{۲۸} قانونی و فرهنگی دین، قانون دین^{۲۹} و فرهنگ دین^{۳۰} را با استفاده از گزاره‌های دین تبیین کند^{۳۱} و با استفاده از فتاوا مستند سازد و شیوه اجرای آن را به صورت قدم‌به‌قدم ارائه نماید.

شاخص اندازه‌گیری:

فراگیر باید بتواند از عقیده خود در برابر عقاید دیگر در یک جمع عمومی دفاع کند و حداقل نصف بعلاوه یک از هیئت منصفه، حقانیت او را اذعان کنند.

فراگیر باید کتابی با عنوان «اسلام چه می‌گوید؟^{۳۲} دفتر اول: نگرش‌ها» برای مخاطب عام بنویسد که هیئت داوران رای به صحت استناد مطالب به اسلام و رای به قابلیت ایجاد «احساس عقلانیت و انسجام، احساس اجرایی بودن و احساس برتری اسلام بر موارد رقیب» بدهند.

فراگیر باید شاخص فوق را به صورت «دفتر دوم: قوانین» و «دفتر سوم: فرهنگ» نیز عملیاتی سازد.

اهداف تکمیلی در واحد آموزشی «دین‌شناسی و کلام جدید»:

^{۲۰} واحدهای آموزشی دین‌شناسی، علوم قرآنی و تفسیر، علوم حدیث، تاریخ و سیره

^{۲۱} پس باید توانایی استفاده کاربردی از منابع دین و استناد به آیات و روایات و تاریخ را داشته باشد.

^{۲۲} واحد آموزشی «دین‌شناسی»

^{۲۳} کلام بین‌الادیان

^{۲۴} کلام بین‌المذاهب

^{۲۵} واحد آموزشی «فلسفه»

^{۲۶} واحد آموزشی «کلام»

^{۲۷} یعنی علاوه بر تصور، بفهمد و علاوه بر فهم اولیه، عقلانیت و انسجام آن را درک کند و به سطح فهم کاربردی برساند که باعث تحریک انگیزه‌ها و احساس‌های فرد برای بروز عکس‌العمل می‌شود.

^{۲۸} یعنی باید نگرش کلان و نظام‌واره داشته باشد.

^{۲۹} با شاخص «مجموعه بایدها و نبایدهایی که عدم رعایت آنها موجب مجازات خواهد بود.»

^{۳۰} با شاخص «مجموعه خوب و بدهایی که رعایت آنها موجب بهینه‌سازی و بهره‌وری خواهد شد.»

^{۳۱} از آنجایی که این مقطع، مقطع تحصیلات عمومی است، سطح استفاده از گزاره‌های دین، سطح تبیین است و نیاز به استناد به فتوی (سطح استدلال و سطح نظریه‌پردازی) دارد

^{۳۲} با قرائت شیعه اثنی‌عشریه از اسلام

۱. بتواند هویت دین، اهداف دین، قلمرو دین، کارکرد دین را به گونه‌ای توصیف کند (هم شفاهی و هم کتبی) که مخاطب با تصور آن، تصدیق به ضرورت دین‌داری و مراجعه به دین در جوانب مختلف زندگی بنماید.
۲. بتواند علت تکثر ادیان را تبیین کند و شاخص‌های یک دین صحیح و حق را طوری عرضه کند که مخاطب بتواند برای تشخیص درستی و نادرستی نمونه مورد نظرش به کار ببرد.
۳. بتواند با ذکر شواهد و مثال‌ها، سبک گفتاری و خصوصیات زبانی دین را در یک بررسی تطبیقی با سبک‌های گفتاری دیگر مقایسه کند و دستورالعمل اجرایی برای فهم اولیه گزاره‌های دین و شرایط لازم برای فهم تحلیلی آنها را ارائه دهد.
۴. بتواند جدولی تطبیقی از نگرش، قانون، فرهنگ و کارکرد ادیان و مذاهب جریان‌ساز در تاریخ بشر تهیه کند و در یک جلسه عمومی در سطح طلاب و دانشجویان، نقاط ضعف و قوت هر کدام را ارائه نماید و با استناد به نظر متخصصین، نگرش‌ها، قوانین و فرهنگ‌های رقیب اسلام و تشیع در زمان حال و آینده را عرضه نماید.
۵. بتواند پاسخ شبهات دارای فراوانی در سطح دانشجویی، اطاق‌های گفتگو و وبلاگ‌ها را به گونه‌ای بیان کند که مخاطب نه فقط ساکت بلکه قانع شود و تصحیح نگرشی برای او صورت پذیرد.
۶. بتواند راجع به مطالبی که در مباحث دین‌شناسی عرضه می‌کند، منابع اطلاعاتی (اعم از چاپی، شفاهی^{۳۳}، الکترونیکی^{۳۴} و شخصیت‌های علمی^{۳۵}) معرفی کند و اعتبارسنجی نماید.

حداقلی قطعی:

تواند دین را به گونه‌ای معرفی کند که مخاطب علاقمند به بررسی آن شود.

^{۳۳} مانند کنفرانس‌ها و سمینارها و دوره‌های آموزشی و محافل علمی

^{۳۴} اعم از سایت‌ها، اطاق‌های گفتگو و وبلاگ‌ها

^{۳۵} با نشانی و راه دست‌یابی به آنها

اهداف تکمیلی در واحد آموزشی «علوم قرآنی و تفسیر»: (از واحدهای منبع‌شناختی)

۱. بتواند در یک چکیده توصیفی (شفاهی و کتبی)، کل قرآن و تک تک سوره‌ها را معرفی کند به طوری که حداقل پاسخ به سوالات زیر باشد:
 - أ. این سوره پاسخ به چه سوالاتی است؟
 - ب. هدف اصلی این سوره چیست؟
 - ج. برای رسیدن به هدف فوق از چه نقطه‌ای آغاز شده است؟ و چه مراحل طی شده است؟
 - د. موقعیت این سوره در کل قرآن چگونه است؟
 - ه. تمایز این سوره با سوره‌های مشابه چیست؟
 - و. چگونه از این سوره برای رشد در زندگی استفاده کنیم؟
۲. بتواند قرآن و خصوصیاتش را با کتاب‌های ادیان دیگر مقایسه کند به طوری که مخاطب تصویری که پیروان هر یک از این کتب در ذهن دارند را حس کند و بتواند برتری قرآن را خود نتیجه بگیرد.
۳. بتواند اثبات کند قرآنی که در دست دارد، تحریف ندارد و همان وحی الهی به پیامبر اسلام است.
۴. بتواند خصوصیات گفتاری و زبانی قرآن را به گونه‌ای تشریح کند که مخاطب از سویی علاقه‌مند به مراجعه مستقیم و تدبر در آیات بشود^{۳۶} و از سوی دیگر خود را نیازمند مراجعه به تفسیر و متخصص ببیند.^{۳۷}
۵. بتواند به سوال انتقادی «مطالب چندین قرن گذشته چگونه می‌تواند زندگی پیچیده امروز و فردا را مدیریت کند؟» با ذکر شواهد و مستندات پاسخ بگوید.
۶. بتواند با استفاده از منابع تفسیری با سبک‌های مختلف روشمند و معتبر، معنی آیات را از زوایای مختلف به دست آورد و به صورت یک جمع‌بندی دارای انسجام ارائه کند.
۷. بتواند برای سطوح و گرایش‌های مختلف مردم منابع تفسیری مناسب برای مطالعه معرفی کند و شیوه بهره‌برداری بهینه از آن تفسیر را توضیح دهد.
۸. بتواند تفاوت میان آیات مشابه در یک موضوع را توضیح دهد به گونه‌ای که مخاطب دو تصویر متفاوت در ذهن خود ترسیم نماید.
۹. بتواند پاسخ شبهات دارای فراوانی در سطح دانشجویی، اطاق‌های گفتگو و وبلاگ‌ها را به گونه‌ای بیان کند که مخاطب نه فقط ساکت بلکه قانع شود و تصحیح نگرشی برای او صورت پذیرد.^{۳۸}
۱۰. منشور راهبردی ایجاد تمدن اسلام را براساس آیات قرآن تدوین کند.
۱۱. بتواند برای فهرستی از موضوعات مبتلابه در زندگی، حداقل یک آیه را از حفظ بخواند.
۱۲. بتواند به سرعت مجموعه‌های موضوعی از آیات را از قرآن بازیابی کند.
۱۳. بتواند از نرم‌افزارهای قرآنی برای مطالعات تطبیقی میان آیات و میان تفاسیر استفاده نماید.
۱۴. در قرائت روزانه قرآن، صحیح و حزین بخواند و به تدریج خود را مخاطب کلام الهی احساس نماید و واسط زبانی را حس نکند و در هر سال نسبت به سال قبل، تلقی و دریافت معنایی بیشتری نسبت به آیات در خود بیابد.
۱۵. با حسّی که از آیات پیدا کرده است، برای قرائت سور مختلف در نمازهای یومیه اشتیاق داشته باشد.

^{۳۶} ضوابط فهم اولیه که برای عموم قابل دسترسی است و ارائه برنامه اجرایی برای تحقق آنها

^{۳۷} پس باید بتواند خصوصیات آیات و ظرفیت‌های معنایی آنها و هویت تفسیر را تبیین کند و ضوابط فهم تحلیلی را ارائه کرده، ضرورت تفسیر را اثبات نماید.

^{۳۸} از جمله، بتواند فیلم‌نامه‌های مرتبط با قصص قرآن را براساس آیات نقد و تحلیل و بازسازی کند.

حداقلی قطعی:

بتواند وقتی موضوعی مطرح می‌شود، آیات راجع به آن موضوع را به سرعت بازیابی کند و پیام خداوند در آن آیات را به گونه‌ای توضیح دهد که مخاطب بتواند در زندگی به کار ببرد.

اهداف تکمیلی^{۳۹} در واحد آموزشی «علوم حدیث»:^{۴۰} (از واحدهای منبع‌شناختی)

۱. بتواند در یک چکیده توصیفی (شفاهی و کتبی)، فهرستی از کتب حدیثی شیعه و عامه را معرفی کند به طوری که حداقل پاسخ به سوالات زیر باشد:
 - ا. کتاب به چه انگیزه‌ای به احادیث پرداخته است؟
 - ب. ساختار طبقه‌بندی و دسته‌بندی احادیث در کتاب چگونه است؟
 - ج. کیفیت نقل و مستندسازی احادیث در کتاب چگونه است؟ (ضریب اعتبار کتاب)
 - د. خصوصیت متمیزه کتاب از کتب مشابه چیست؟
 - ه. چگونه می‌توان از کتاب بیشترین بهره‌برداری را انجام داد؟
۲. بتواند سند یک روایت را پیدا کند و براساس نظر متخصصین اعتبارسنجی نماید^{۴۱} یعنی بتواند به سوال «سند این حدیث کجاست؟ و از کجا معلوم اعتبار داشته باشد؟» پاسخ روشمند و مصداقی بدهد به گونه‌ای که سوال‌کننده اعتبار حدیث را لمس کند.
۳. بتواند هنگام استفاده از یک حدیث معتبر، برای انتقال حس اعتبار حدیث به مخاطب، نکات شخصیت‌شناسانه از خصوصیات برخی راویان دارای فراوانی در سند احادیث ذکر کند.
۴. بتواند هنگام عرضه حدیث غیرمعتبر، نادرستی حدیث را حدس بزند و سوالات حاوی قرائن لازم بر عدم اعتبار حدیث را بر گوینده حدیث عرضه کند.
۵. فهرستی از احادیثی که به‌اجماع متخصصین، از اسرائیلیات یا جعلیات عامه هستند را بشناسد و بتواند عدم اعتبار آنها را با ذکر منبع به مخاطب منتقل کند.
۶. بتواند برای فهرستی از موضوعات مبتلابه در زندگی، حداقل یک حدیث را از حفظ بخواند.
۷. منشور راهبردی ایجاد تمدن اسلام را براساس روایات تدوین کند.
۸. بتواند به‌سرعت مجموعه‌های موضوعی از احادیث را از منابع بازیابی کند.
۹. بتواند وجه جمع فهرستی^{۴۲} از احادیث به‌ظاهر متخالف را ارائه دهد به گونه‌ای که مخاطب اذعان به انسجام کند.
۱۰. بتواند تحلیل و تفسیر غریب‌الحدیث^{۴۳} را طوری که مخاطب انسجام و منطقی بودن آن را احساس کند ارائه دهد.^{۴۴}
۱۱. بتواند هنگام استناد به یک حدیث برای ایجاد تغییر در رفتار مخاطب، به سوال انتقادی «از کجا معلوم مطلب این حدیث مربوط به زمان ما هم باشد و اختصاص به زمان صدور آن نداشته باشد؟!» پاسخ روشمند و به‌همراه شواهد بدهد به گونه‌ای که مخاطب اذعان به کلیت و عمومی بودن حدیث بنماید و در به‌کار بردن سوال انتقادی مذکور برای موارد بعدی تردید نکند.
۱۲. بتواند از نسخه‌های خطی استفاده کند و به آنها استناد نماید.

^{۳۹} با توجه به گستردگی استفاده از حدیث در تبلیغ و گفتگوها و رسانه، تمام این اهداف از اهمیت خاصی برخوردار خواهند بود.

^{۴۰} اعم از درایه‌الحدیث، فقه‌الحدیث و رجال‌الحدیث

^{۴۱} بنابراین باید بتواند به کتب رجالی مشهور مراجعه کند و راوی مورد نظر را بیابد (در میان مشترک‌ها، مصداق مورد نظر را تشخیص دهد) و مقصود مولفین از اصطلاحات وارده در اعتبار راوی بفهمد و معیارهای عمده برای رفع تعارض بین اقوال رجالیین مشهور را توضیح دهد.

^{۴۲} فهرستی از احادیث که در سطح دانشجویی و مشابه آن، زیاد مورد سوال قرار می‌گیرند.

نکته: این‌گونه فهرست‌ها هر چند وقت بکبار با روش‌های آماری باید تهیه و به‌روز شوند و براساس آنها محتوای کتاب درسی ویرایش شود.

^{۴۳} همان

^{۴۴} در همین عداد، پاسخ به نقد «این مطلب با عقل سازگار نیست!!» نیز قرار دارد؛ یعنی باید بتواند هنگام استناد به یک حدیث معتبر و مواجه با نقد فوق، انسجام محتوای روایت با معادلات قطعی عقلانی را نشان دهد یا اثبات کند معادلات عقلی مورد نظر ناقد قطعیت نیست.

۱۳. سبک گفتاری و نوع کلمات و ترکیب‌های به‌کار رفته در روایات را در موضوعات مختلف بشناسد به طوری که بتواند فهرستی از کلیدواژه‌های صحیح برای جستجو را به درخواست‌کننده تحقیق و مطالعه، عرضه نماید.

۱۴. بتواند روایات را به زبان زندگی معاصر ترجمه کند.^{۴۵}

۱۵. بتواند از نرم‌افزارهای حدیثی و رجالی خاصه و عامه استفاده کند به گونه‌ای که در کوتاه‌ترین زمان، بیشترین اطلاعات مرتبط و کمترین اطلاعات ناخواسته بازیابی شوند.^{۴۶}

حداقلی قطعی:

بتواند احادیث معتبر برای انتقال نظر دین به مخاطب ارائه کند

به گونه‌ای که مخاطب را برای ایجاد تغییر در زندگی فعال کند.

^{۴۵} و هر دسته از روایات را به زبان علم مرتبط با خود ترجمه کند. مثلاً روایات مربوط به طب و بهداشت را به زبان پزشکی ترجمه کند. (روش کار را بشناسد، در چند مورد تمرین کند تا بتواند برای بقیه موارد به کار ببرد. اهمیت واحد آموزشی «موضوع‌شناسی» برای طلاب در اینجا خود را به خوبی نشان می‌دهد)

^{۴۶} برگزاری مسابقات در این زمینه بسیار مفید و جالب خواهد بود.

اهداف تکمیلی در واحد آموزشی «تاریخ و سیره»: (از واحدهای منبع‌شناختی)

۱. بتواند راجع به موضوعات زیر مقاله علمی بنویسد که این مفاهیم را توضیح داده و تاثیر آنها بر نگرش به تاریخ را ارائه کرده باشد:

ا. انسان‌شناسی شهری

ب. جامعه‌شناسی و معادلات کلی آن

ج. فرهنگ و تمدن

د. سیاست و معادلات حکومت‌داری

ه. استعمار و شیوه‌های عملکرد آن

و. روش‌های تاریخ‌نگاری

ز. فلسفه جغرافیا

ح. شیوه‌های تحلیل و تفسیر اسناد، اشیاء و عکس‌های تاریخی

۲. بتواند تجزیه و ترکیب^{۴۷} محتواهای تاریخی را انجام دهد و ابزار تحلیل محتوا را در مواد تاریخی به‌کار ببرد تا بتواند تفاوت تحلیل‌های تاریخی انجام شده توسط متخصصین را تشخیص داده و تاثیر این تفاوت را در نتیجه‌گیری نهایی نشان دهد.^{۴۸}

۳. بتواند در برابر سوال انتقادی «با توجه به تحولات بسیار گسترده زندگی امروزه، مطالعات تاریخی کاربرد چندانی ندارد و بیشتر باید به آینده پرداخت!!» با ذکر شواهد، تاثیر عمیق دست‌یابی به اسباب و علل و روند حوادث گذشته، در برنامه‌های امروز و آینده را نشان دهد.^{۴۹}

۴. بتواند در تفسیر آیات و روایاتی که مربوط به پیامبران، اقوام و ملل و تمدن‌های گذشته هستند، گزارش‌ها و مستندات تاریخی ارائه کند و یک جدول تطبیقی از خصوصیات و تمایزات آنها عرضه نماید به‌گونه‌ای که تصویری دقیق و شفاف از آیات و روایات مربوطه حاصل شود.^{۵۰}

۵. بتواند شخصیت و فرهنگ^{۵۱} هر یک از انبیاء مذکور در قرآن و هر یک از معصومین^{۵۲} را در یک مقاله علمی معرفی کند و حداقل ده دقیقه در مورد هر یک از آنها سخن بگوید و کارنامه آنها را ارائه کند، به‌گونه‌ای که مخاطب پس از استماع، نگرشی جدید و معادلاتی تازه برای تصمیم‌گیری در خود احساس نماید.

۶. بتواند فیلم‌هایی مانند فیلم «محمد رسول الله»، «موسی علیه السلام»، «امام علی علیه السلام» و ... که در سراسر جهان راجع به تاریخ انبیاء و امامان ساخته شده است را با ارائه شواهد و مستندات نقد کند.

۷. بتواند افکار و نگرش‌ها و گرایش‌های جریان‌ساز در طول تاریخ اسلام را در جدولی تطبیقی ارائه دهد و چگونگی تاثیر آنها بر ایجاد حوادث را تشریح کند.

^{۴۷} مقصود از تجزیه در محتواهای تاریخی، کشف اجزاء و متغیرهای دخیل در تحقق واقعه مورد نظر است و مقصود از ترکیب در محتواهای تاریخی،

کشف روابط علی و معلولی، شرط و مانع، مراتب و مراحل تحقق در مورد واقعه مربوطه است.

^{۴۸} این شاخص در سطح تخصصی به‌صورت «بتواند با مهندسی مجدد واقعه، شبیه‌سازی کند و مدلی از حادثه ارائه نماید» عرضه می‌شود.

^{۴۹} مباحث تاریخی، فلسفه تاریخ و آینده‌پژوهی به‌صورت ترکیبی مطرح شوند.

^{۵۰} این‌گونه اهداف با تدوین متون آموزشی فعال قابل حصول است. مثلاً در درس، منابع مربوطه عرضه شوند، یک سناریو از فیلمی در فضای مرتبط با درس عرضه شود و در فراگیران خواسته شود که با توجه به قالب سناریو، از منابع تاریخی در اختیار گذاشته شده، سناریوی مشابهی برای واقعه تاریخی مورد نظر بنویسند.

^{۵۱} اعم از فردی و اجتماعی، گفتاری و رفتاری

^{۵۲} دوازده امام و حضرت صدیقه طاهره سلام‌الله‌علیهم اجمعین

۸. بتواند هنگام نقل یک واقعه و حادثه معتبر، با توصیف شاخص‌های اعتبارسنجی شده در آن، حس معتبر بودن صحنه را به مخاطب منتقل کند. (بالخصوص در واقعه کربلا و شهادت هر یک از معصومین)
۹. بتواند هنگام نقل یک واقعه تاریخی غیرمعتبر، نادرستی نقل را حدس بزند و سوالات حاوی قرائن لازم بر واقعی نبودن مطلب را بر گوینده عرضه کند.
۱۰. بتواند نقل‌های غیرمعتبر قطعی در مرثی معصومین سلام‌الله‌علیهم را با مستندات عرضه کند به گونه‌ای که مخاطب نسبت به تکرار در نقل آنها انصراف حاصل نماید.
۱۱. بتواند علت اختلاف نقل‌های تاریخی را به گونه‌ای برای مخاطب توضیح دهد که منطقی بودن آن را احساس کند و راه‌حل دستیابی به حداقل‌های قطعی از تاریخ را نیز به دست بیاورد.
۱۲. بتواند حداقل پنج نمونه از تحریف‌های تاریخ توسط کفار، اهل کتاب، عامه در گذشته و حال، در کتب تاریخی و دائره‌المعارف‌ها را با مستندات ارائه کند.^{۵۳}
۱۳. بتواند برای فهرستی از موضوعات مبتلابه در زندگی، حداقل یک صحنه تاریخی از زندگی انبیاء و ائمه را از حفظ نقل کند.
۱۴. بتواند به سرعت قضایا و حوادث تاریخی را از منابع بازیابی کند.
۱۵. بتواند تقویم مولید و وفیات و شهادت معصومین علیهم‌السلام و برخی شخصیت‌های مطرح تاریخ ادیان و اسلام^{۵۴} را تنظیم نماید تا بزرگداشت و توجه سالیانه به آنها انجام شود.
۱۶. بتواند تقویم تطبیقی درون جهان اسلام با بیرون جهان اسلام را تنظیم نماید تا موقعیت مسلمین و کیفیت عملکرد رسول خدا و معصومین علیهم‌السلام با مقایسه با موقعیت کلان جهانی شفاف‌تر و دقیق‌تر قابل تصور و ترسیم باشد.^{۵۵}

حداقلی قطعی:

بتواند حقایق تاریخی را به گونه‌ای کشف کند که برای ایجاد تغییر در آینده بهره‌برداری شود.

^{۵۳} اطلاع از احوال و روایات تاریخ‌نگاران در این علم بسیار حائز اهمیت است.

^{۵۴} شخصیت‌هایی مانند انبیاء اولوالعزم، اصحاب خاص پیامبر و ائمه مانند سلمان، مالک، حضرت زینب، نائب خاص حضرت و ...

^{۵۵} در کلیه این اهداف، محتوای آموزشی و تمرینات به گونه‌ای طراحی شوند که توصیف وضعیت موجود مسلمین و سیر تحولات جهانی با وقایع تاریخ صدر اول و سرمنشاءهای تحولات مرتبط شوند و تاثیر آنها بر مابعد آشکار گردد. بدین ترتیب در ضمن این واحد درسی و برای نشان‌دادن کاربرد آن، وقایع مهم تاریخ معاصر و تاریخ جهان نیز بررسی می‌شود.

ابتدا اهداف واحد آموزشی فلسفه، سپس کلام و سپس عرفان

۱. بتواند اثبات کند واقعیت‌هایی هستند. (خارج از خیال و توهم ما)
۲. بتواند اثبات کند این واقعیت‌ها، یک شبکه و دستگاه منسجم و یکپارچه وجودی را تشکیل داده‌اند و تصادفی و از هم‌گسسته نیستند.
۳. بتواند روابط^{۵۷} بین موجودات و ساختار کلان هستی را ترسیم کند و برای مدعیات خود استدلال بیاورد.
۴. بتواند به‌سوالات هفت‌گانه چه هستیم؟ از کجا آمده‌ایم؟ چگونه آمده‌ایم؟ به کجا می‌رویم؟ در کجا هستیم؟ با چه موجوداتی هستیم؟ چگونه حرکت می‌کنیم؟ پاسخ عقلانی بدهد.^{۵۸}
۵. بتواند وجود خدا و خصوصیات وجودی او را با برهان عقلی اثبات کند.^{۵۹}
۶. بتواند کیفیت ربط موجودات با خداوند را توضیح دهد و برای مدعی خود استدلال بیاورد.
۷. بتواند کیفیت خلقت جهان را توصیف کند و استدلال بیاورد و با فرضیات فیزیک جدید مقایسه کند.
۸. بتواند تصویر فلسفی با استدلال از جهان مادی، ماده، فضا، زمان، نور، انرژی ارائه دهد و با فرضیات فیزیک جدید مقایسه کند.
۹. بتواند توصیفی از جهان‌های ماوراء ماده ارائه دهد و بر آن استدلال بیاورد و با توصیف‌های عرفانی (صادق و کاذب) مقایسه کند و اعتبارسنجی نماید.
۱۰. بتواند حقیقت نفس و روح و ذهن و رابطه آنها با یکدیگر و با بدن را با استدلال توصیف کند و با فرضیات روان‌شناسی و توصیف‌های عرفانی مقایسه کند.
۱۱. بتواند نگرش‌های مطرح در فلسفه اسلامی را در یک جدول تطبیقی عرضه کند و تاثیر انواع نگرش‌ها به هستی و شبکه موجودات، در زندگی را به تصویر بکشد به‌گونه‌ای که مخاطب اهمیت دست‌یابی به نگرشی صحیح و جامع از هستی (داشتن اطلاعات فلسفی درست) را لمس کند.
۱۲. بتواند تاثیر مبانی فلسفی را در تعلیم و تربیت، برنامه‌ریزی و مدیریت، دین‌شناسی، تصمیم‌گیری و معنی زندگی، با شواهد و مستندات نشان دهد.
۱۳. مدعی فلسفه‌های الحادی و فلسفه‌های شرقی و غربی را بشناسد و بتواند حداقل یک نقد نسبت به آنها ارائه کند.
۱۴. فهرستی از برهان‌های عقلی و استدلال‌های فلسفی به‌کار رفته در قرآن و روایات را در دست داشته باشد و بتواند تبیین‌های فلسفی متخصصین از این آیات و روایات را تحلیل و تشریح کند.^{۶۰} (مثلاً بیان‌های موجود در کتاب المیزان و کتاب بحارالانوار)^{۶۱}

^{۵۶} فلسفه، کلام، عرفان؛ نکته: با توجه به گسترش توجه به معنویت در جهان و ظهور و بروز نحله‌های عرفانی مختلف، طراحی واحد آموزشی عرفان اسلامی (عرفان شیعی فقهاتی) ضروری است.

^{۵۷} کیفیت، کمیت و جهت اثرگذاری و اثرپذیری بر یکدیگر و موقعیت و رتبه هر یک از موجودات در این شبکه
^{۵۸} بتواند مقاله یا سخنرانی‌ای را که با جمله «ما در جهانی زندگی می‌کنیم که از جهت وجودی...» آغاز می‌شود ارائه کند. بتواند سرمنشأ هستی را با استدلال نشان دهد. بتواند کیفیت خلقت را با استدلال توصیف کند.

^{۵۹} بتواند به‌گونه‌ای عالم وجود و خداوند را توصیف کند که تصور چنین خدایی مستلزم تصدیق به وجود آن باشد.
^{۶۰} در یک مقاله علمی یا در یک سخنرانی یا در یک گفتگوی علمی

^{۶۱} و در مواردی که تحلیلی تخصصی یافت نشود بتواند فهم اولیه‌ای از آنها به‌صورت روشمند پیدا کند مثلاً بتواند بر گفتگوی حضرت رضا علیه‌السلام با عمران صابی توضیحی ارائه کند یا بتواند نسبت به محتوای احادیث کتاب توحید صدوق، فهم اولیه‌ای را در مخاطب ایجاد نماید.

۱۵. بتواند سخنرانی‌ها و مقالات تخصصی فلسفی را درک کند و به سؤالاتی که در مورد محتوای آنها پرسیده می‌شود پاسخ بدهد.

حداقلی قطعی:

بتواند نگرش دین نسبت به هستی و برتری این نگرش بر موارد رقیب را با استدلال عقلی ارائه کند.

اهداف تکمیلی در کلام اسلامی:

۱. بتواند برای کلیه اهداف مذکور در فلسفه، به‌جای برهان عقلی، استدلال نقلی بیاورد. (مثلاً بگوید: به استناد آیه...نگرش دین نسبت به کیفیت خلقت این‌گونه است که...)
۲. جداول تطبیقی بین گزاره‌های دین و فرضیات دیگر نگرش‌ها تهیه کند.
۳. بتواند در صورت ایراد سوال یا نقد نسبت به معقول نبودن محتوای گزاره دین، عقلانیت محتوا را ثابت کند.
۴. بتواند دستگاه فکری دین را به‌صورت مجموعه‌ای از گزاره‌ها (آیات و روایات) به‌صورت یک شبکه منسجم در یک مقاله یا سخنرانی علمی با شواهد و مستندات ارائه کند. (نگرش اسلام به هستی، انسان و زندگی چیست؟)
۵. بتواند فلسفه دین، انسان‌شناسی، فلسفه جامعه‌شناسی، فلسفه تاریخ، فلسفه زندگی، براساس نگرش اسلام را با ذکر مستندات ارائه دهد.
۶. بتواند ضرورت اختیار انسان و عدل الهی، ثواب و عقاب، نبوت، امامت و معاد را براساس برهان عقلی اثبات کند و گزاره‌های دینی نگرش‌ساز نسبت به این موضوعات را تبیین کند به‌گونه‌ای که منجر به تغییر تصمیم و تغییر رفتار در مخاطب شود.
۷. نگرش‌ها و دستگاه‌های فکری رقیب^{۶۲} در زمان حال و آینده را در موضوعات فوق بشناسد و بتواند آنها را حداقل در یک مورد نقد کند.
۸. فهرستی از شبهات دینی مرتبط با نگرش‌ها که دارای فراوانی در جامعه و جهان هستند را تهیه کند و بتواند در یک مناظره دانشجویی پاسخ اقناعی بدهد.
۹. بتواند با استفاده از منابع تخصصی، عقلانیت موجود در تمام گزاره‌های دین (آیات، روایات صحیح، سیره قطعیه معصوم) را استخراج کرده و طوری به مخاطب ارائه دهد که منطقی بودن آن ملموس شود.
۱۰. بتواند شاخص‌های قابل تمایز برای اعتبارسنجی صحت ادعای یک پیامبر و امام را به‌گونه‌ای به مخاطب معرفی کند که او بتواند در صورت برخورد با یک مدعی، اعتبارسنجی عملی اولیه را انجام دهد.

حداقلی قطعی:

بتواند دستگاه فکری دین را ترسیم کند و عقلانیت آن را اثبات نماید.

^{۶۲} اعم از تفکرات بشری (کلام بین‌الایمان و الکفر)، و ادیان آسمانی (کلام بین‌الادیان)، و مذاهب و فرقه‌های اسلامی (کلام بین‌المذاهب)

۱. بتواند اثبات کند^{۶۳} قلب مانند ذهن از منابع شناخت است و دستگاه ادراکی منسجمی دارد.^{۶۴}
۲. بتواند عدم کفایت ذهنیات و نیاز انسان به شهود قلبی را تصویر و اثبات کند.
۳. بتواند کیفیت ربط مخلوقات محدود با خالق نامحدود کیفیت حضور و عملکرد خداوند در هستی^{۶۵} را تبیین و اثبات نماید.^{۶۶}
۴. بتواند کیفیت ربط نفس انسان با خداوند را تبیین و اثبات نماید.
۵. مراحل و عوالم فیما بین نفس انسان و خداوند^{۶۷} را توصیف کند و برای مدعای خود استدلال بیاورد.
۶. بتواند خصوصیات شهود، واردات و خواطر صادق را در هر مرحله توصیف، مستدل و تطبیق کند.^{۶۸}
۷. بتواند کیفیت عبور از هر مرحله و ارتقاء به عالم برتر را توصیف، مستدل و تطبیق نماید.
۸. بتواند شهودهای کاذب و خلاف را حدس بزند و با ارائه شواهد و معیارها، عدم اعتبار آن را اثبات نماید.
۹. برای هر یک از موارد فوق، مدعای نگرش‌های رایج و رقیب را بشناسد و بتواند در یک جدول تطبیقی با نگرش عرفان اسلام، به قضاوت مخاطب بگذارد.
۱۰. تحلیل‌های عرفانی در تفسیر آیات و روایات مرتبط با موضوعات عرفان^{۶۹}، را بفهمد و اعتبارسنجی کند.
۱۱. بتواند از اشعار با مضامین عرفانی در ادبیات فارسی و عربی برای انذار و تبلیغ، وعظ و خطابه استفاده کند و محتوای این اشعار را برای مخاطب توضیح دهد.
۱۲. بتواند «انسان کامل» و «ولی‌الله» را براساس نگرش اسلام، توصیف کند به گونه‌ای که مخاطب احساس کند با بشری زمینی که محتویات قلبی ملکوتی دارد روبروست و تصویری «قابل برقراری ارتباط» از او حاصل کند و بتواند اثبات کند وجود انسان کامل برای هستی ضروری است و توضیح دهد که انسان کامل چگونه در مدیریت هستی نقش دارد؟
۱۳. بتواند راهبردهای حرکت به سوی این کمال را توصیف، مستدل و تطبیق کند.^{۷۰}
۱۴. عرفان‌های کاذب و ناقص دارای طرفداران قابل توجه^{۷۱} را بشناسد و بتواند در یک جدول تطبیقی به قضاوت مخاطب بگذارد و بتواند حداقل یک نقد بر آنها وارد سازد.

حداقلی قطعی:

تواند امکان رسیدن به شهود خداوند، کیفیت این شهود و مراحل آن را تبیین کند.

^{۶۳} در تمام موارد «اثبات کند» در علم عرفان، منظور اثبات با برهان عقلی است. (استفاده از شهود برای تبیین و استفاده از برهان برای اثبات صدق و اعتبار شهود)

^{۶۴} خصوصیات علم حضوری، کیفیت پیدایش و تحولات آن

^{۶۵} فعل و فیض خداوند؛ تجلیات اسماء و صفات الهی

^{۶۶} بتواند به این سوال پاسخ دهد که «اگر خداوند بی‌نهایت است و همه‌جا را پر کرده است پس موقعیت بقیه موجودات چیست؟»

^{۶۷} مانند: عالم مثال، خیال، ملکوت، جبروت، لاهوت، قوس صعود و نزول، حضرات خمس، احدیت، واحدیت، وجود منبسط، فیض اقدس و مقدس

^{۶۸} بتواند فهرستی از شهودهای قطعی و رویاهای صادق تهیه کند و از آنها برای تبیین و تذکار کیفیت ربط ملک و ملکوت استفاده نماید.

^{۶۹} مانند آیات و روایات توحیدیه، برخی خطب نهج‌البلاغه، روایات کیفیت انشاء اسماء‌الله، روایات تجلی و ظهور، لقاءالله، مقام ولایت ...

^{۷۰} نمونه و مصداق قابل درک برای مخاطب عرضه کند.

^{۷۱} اعم از داخلی و خارجی مانند اکنکار، اشو، کاستاندا، ذن، و ...

۱. فلسفه فقه و فلسفه حقوق را به گونه‌ای بشناسد که بتواند فقه اسلام را در یک دستگاه و نظام حقوقی^{۷۲} براساس معادلات عقلانی تبیین کند و در یک جدول تطبیقی با دستگاه‌های حقوقی دیگر مقایسه نماید.
۲. بتواند فهرستی از قواعد پایه و مبنایی دستگاه حقوقی اسلام تهیه کند و موقعیت هر یک را در دستگاه حقوقی اسلام توضیح دهد به گونه‌ای که کاربرد قاعده در تصمیمات و رفتارهای حقوقی برای مخاطب ملموس شود.
۳. بتواند طبقه‌بندی و دسته‌بندی‌های متفاوت در ساختار فقه را در یک جدول تطبیقی ارائه دهد و تفاوت عملکرد و تاثیر هر یک را با شواهد و مستندات عرضه کند.
۴. بتواند شبکه کلان زندگی، تمدن، حکومت و زیرسیستم‌های آن را به تصویر بکشد و نیازمندی‌های هر قسمت به قوانین و مقررات را توضیح دهد به گونه‌ای که مخاطب فهرستی طبقه‌بندی شده از نیازهای بشری را به دست آورد.
۵. بتواند عناوین و موضوعات فقهی را با مسائل و مشکلات امروز زندگی مرتبط کرده، ترجمه مناسب از هر یک از عناوین فقهی ارائه نماید.^{۷۳}
۶. بتواند عملکرد یک مجموعه بهم پیوسته هدف‌دار (یک سیستم) را تحلیل کند و اجزاء، روابط، هدف، نقطه شروع و حداقل، نقاط بحران، نقطه تعادل، خروجی، کیفیت برقراری روابط و تغییر روابط را توصیف کند و بتواند این تحلیل را بر موضوعات فقهی تطبیق نماید.
۷. بتواند موضوعات فقهی را از جهت موضوع‌شناسی با مراجعه به منابع مربوطه توصیف کند^{۷۴} به گونه‌ای که متخصصین هر موضوع این توصیف را معتبر بدانند.
۸. بتواند اثبات کند گزاره‌های دین معنی‌دار است و براساس قواعد تفاهم عرفی، دارای ظهور و قابل برداشت مقصود است.
۹. بتواند اثبات کند ظهور هر گزاره دینی در شبکه گزاره‌های دین^{۷۵} معنی‌دار می‌شود و به تنهایی قابل استناد نیست.
۱۰. بتواند قواعد و روش کشف مقصود قانون‌گذار (تفسیر متن) را در متون قانونی به کار ببرد^{۷۶} و در یک بررسی تطبیقی با عملکرد متخصص، تحلیل خود را بازسازی کند.
۱۱. از نظریات مطرح در قواعد و روش‌های تفسیر متن که رقیب محسوب می‌شوند^{۷۷} مطلع باشد و بتواند حداقل در یک مورد آن را نقد کند.
۱۲. روند و کیفیت تولید یک قانون و قواعد قانون‌گذاری^{۷۸} را بشناسد به گونه‌ای که در موارد عدم قابلیت استفاده از نص، بتواند مراحل پدید آمدن قانون جدید را برای مخاطب تشریح کند تا معقولیت و انسجام دستگاه قانونی اسلام ملموس شود.

^{۷۲} این عبارت، اعم از عبارت رایج در عرف دانشگاهی است و تمام حوزه‌های حق و تکلیف در رابطه با خدا، خود، همنوع و محیط را در بر می‌گیرد.
^{۷۳} مثلاً: ترجمه کتاب الطهاره به سیستم بهداشتی اسلام یا فقه بهداشت، فقه فرهنگ، فقه رسانه، فقه خانواده، فقه حکومت، فقه زن، فقه بین‌الملل، فقه مجازات، فقه آموزش و ...

^{۷۴} مثلاً: برای بحث در طهارت یا نجاست الکل، هویت الکل و اقسام آن و تغییر و تبدل‌های آن از کتب علمی مربوطه استخراج شود. یا در حکم به حرمت ربا، هویت بهره و سود در اقتصاد استخراج شود.

^{۷۵} اعم از گزاره‌های نگرشی، راهبردی و راهکاری است که هر کدام در شبکه گزاره‌ها نقش خاص خود را دارد و نتیجه نهایی باید به صورت برآیند گزاره‌ها اخذ شود.

^{۷۶} اصول قانون‌فهمی (مباحث دلالت و حجیت)

^{۷۷} مانند مسائلی از نظریه قبض و بسط، هرمنوتیک و فلسفه تحلیلی (شاخص، این است که هنگام ارائه مقصود شارع از متن قانون، مخاطب براساس نظریه‌ای دیگر، روش استنباط را زیرسوال ببرد).

^{۷۸} قسمت اصول عملیه

۱۳. بتواند فهرستی از «احساس تعارض»ها میان برخی گزاره‌های دین در موضوعات مختلف تهیه کند و قواعد و روش حل این «احساس تعارض»ها را به‌کار ببرد به‌گونه‌ای که مخاطب تفاوت موقعیت‌ها و تفاوت رتبه‌ها را در قانون‌گذاری، ابلاغ و اجرای قانون لمس کند.
۱۴. بتواند آیات الاحکام راجع به هر موضوع را از قرآن استخراج کند و با مراجعه به منابع تفسیری و فقهی، شرحی بر هر یک از این آیات بنویسد و مصادیق آن در زمان حاضر را مستندا به منابع توصیف نماید.
۱۵. مجموعه‌ای از احادیث مبنایی که حامل قواعد هر باب هستند را تهیه کند و شرحی برای هر کدام ارائه نماید.
۱۶. مجموعه‌ای از حداقل‌های^{۷۹} قطعی قانونی در هر باب را تهیه کند و برنامه دست‌یابی فردی و اجتماعی و جهانی به این حداقل‌ها را به‌صورت قدم‌به‌قدم عرضه نماید.
۱۷. مجموعه‌ای از راه‌حل‌ها را برای مشکلاتی^{۸۰} که در مسیر تحقق حداقل‌های قانونی پدید می‌آید تهیه کند و کیفیت استفاده از آنها را برای تصحیح مسیر یا بازسازی موضوع، به‌صورت قدم‌به‌قدم ارائه نماید.
۱۸. بتواند حالات مختلفی را که ممکن است برای افراد در ارتباط با یک موضوع مشخص پدید آید فهرست نماید. (حدس زدن فروعات) و حکم هر حالت را با مراجعه به نظر متخصص به‌گونه‌ای توضیح دهد که مخاطب بتواند قدم‌به‌قدم اجرا کند.^{۸۱}
۱۹. باید بتواند متن رساله‌ها را به زبان مخاطب (از بیسواد تا متخصص) ترجمه کند به‌گونه‌ای که او بداند قدم‌به‌قدم چه باید بکند و نسبت به برخی ابهامات و استغراب‌ها، از جهت عقلانی توجیه شود.^{۸۲}
۲۰. بتواند در توضیح مسائل شرعی محوری و کلان در هر باب، به آیات و روایات استناد کند و ایجاد حس مخاطب قرار گرفتن مستقیم برای افراد و حس مستحکم بودن فتاوا، انگیزه آنها در انجام دستورات شرعی را تقویت نماید.
۲۱. بتواند قدر مشترک و متیقن از رساله‌های مطرح در جامعه را استخراج کند و تکلیف قطعی به سوال‌کنندگان مختلف با مراجع مختلف، عرضه نماید و علت اختلاف فتاوی را برای مخاطب توضیح دهد.
۲۲. بتواند متون، مقالات و گفتگوهای تخصصی فقهی را که حاوی استدلال است بفهمد و در صورت مواجه شدن با درخواست مستند یک فتوا، مستندات و استدلال فتوای مورد نظر را با مراجعه به منابع مربوطه استخراج کند و برای مخاطب توضیح دهد.
۲۳. بتواند روش قدم‌به‌قدم یک استنباط و اجتهاد را برای مخاطب شبیه‌سازی کند تا تصویری صحیح از اجتهاد در ذهن مخاطب با پیش‌فرض‌های غلط، ایجاد شود،^{۸۳} و منشاء تفاوت استنباط‌ها و اجتهادها را مشاهده کند.
۲۴. بتواند از متون حقوقی استفاده کند و در یک جدول تطبیقی با احکام شرعی مقایسه نماید.
۲۵. بتواند در امور حقوقی (خانوادگی و مالی) مشاوره بدهد، قرارداد تنظیم کند، حل اختلاف نماید، محاسبه خمس و زکات، ارث و دیه را انجام دهد، معاملات رایج در بازار خرد عمومی و بازارهای خرد خاص (مانند بورس) و بازارهای کلان^{۸۴} را اعتبارسنجی کند.

^{۷۹} واجب و حرام، بطلان و صحت (مواردی که منجر به جرم و مجازات می‌شوند).

^{۸۰} شرایطی که منجر به بطلان یا حرمت می‌شوند. باید بتواند در مواجهه با یک سوال به‌ظاهر ساده از احکام، جوانب محتمل آن را که در نظر سوال‌کننده نیست با سوالات کاشف، به‌دست آورد و سپس پاسخ سوال‌کننده را بدهد. یکی از ارزیابی‌هایی که حتما باید در درس فقه انجام بگیرد، ارزیابی مهارت مساله‌گویی است که مثلا وقتی دو نفر مراجعه می‌کنند و تقاضای عقد ازدواج دارند، فراگیر فقط سوال از مهر می‌کند یا پس از حداقل پانزده سوال مختلف از سن دختر، اذن ولی، ازدواج قبلی، علم به مهریه و... اقدام به اجرای صیغه عقد می‌نماید.

^{۸۱} بیان کلیات و فرض‌های شرطی و واگذار کردن تطبیق و تشخیص‌ها به مکلف در اغلب موارد راهگشا نبوده است.

^{۸۲} مهارت استفاده از علل الشرایع و فلسفه احکام

^{۸۳} بالخصوص کیفیت تولید احتیاط‌ها

۲۶. بتواند قوانین ادیان و ملت‌های دیگر و قوانین مذاهب دیگر اسلامی را به دست آورد و در یک جدول تطبیقی با قانون اسلام شیعی مقایسه کند.

۲۷. بتواند به سوالات و نقدهایی مانند موارد زیر با ارائه مستندات و شواهد پاسخ بدهد:

- ا. حقوق بشر باید ملاک نظام‌های حقوقی قرار گیرد.
- ب. آیا قوانین مربوط به دهها قرن قبل قدرت تنظیم امور پیچیده امروز را دارند؟
- ج. احکام باید با شرایط زمان و مکان منطبق شوند و این حکم باید تغییر کند.
- د. مدیریت علمی می‌تواند جامعه را اداره کند و مدیریت فقهی مربوط به امور شخصی است.
- ه. احکامی مانند ارتداد، قصاص، قیمومیت مرد، حجاب، ارث و دیه زن معقول و عادلانه نیست.
- و. آیا اسلام مدلی برای توسعه دارد؟
- ز. آیا با دستگاه قانونی و فرهنگی اسلام می‌توان تمدنی رقیب تمدن غرب ساخت؟

حداقلی قطعی:

بتواند دستگاه قانونی اسلام را تبیین کند و
قوانین خاص در هر موضوعی را از منابع فتوایی استخراج نماید و
برتری و کارآمدی این قوانین را بر قوانین رقیب، عقلا اثبات کند.

اهداف تکمیلی در واحد آموزشی «فرهنگ دین»: (فرهنگ و اخلاق اسلامی)

۱. فلسفه اخلاق را به گونه‌ای بشناسد که بتواند فرهنگ و اخلاق اسلام را در یک دستگاه و نظام رفتاری براساس معادلات عقلانی تبیین کند و در یک جدول تطبیقی با نظام‌های فرهنگی و اخلاقی دیگر مقایسه نماید.
۲. بتواند فهرستی از قواعد پایه و مبنایی دستگاه اخلاقی اسلام را تهیه کند و موقعیت هر یک را در این دستگاه توضیح دهد به گونه‌ای که کاربرد قاعده در تصمیمات و رفتارها برای مخاطب ملموس شود.
۳. بتواند شبکه کلان زندگی، تمدن، حکومت و زیرسیستم‌های آن را به تصویر بکشد و نیازمندی‌های هر قسمت به فرهنگ و اخلاق خاص خود را توضیح دهد به گونه‌ای که مخاطب فهرستی طبقه‌بندی‌شده از نیازهای فرهنگی و اخلاقی بشری را به دست آورد.
۴. بتواند عناوین و موضوعات فرهنگی و اخلاقی را با مسائل و مشکلات امروز زندگی مرتبط کرده، ترجمه مناسب از هر یک از عناوین اخلاقی ارائه نماید.^{۸۵}
۵. بتواند موضوعات فرهنگی و اخلاقی را از جهت موضوع‌شناسی با مراجعه به منابع مربوطه توصیف کند.^{۸۶} به گونه‌ای که متخصصین هر موضوع این توصیف را معتبر بدانند.
۶. کیفیت تولید و پیدایش «بایدها و نبایدها»، «خوب و بد» را بشناسد و بتواند آن را به گونه‌ای به مخاطب نشان دهد که پشت‌صحنه‌های تصمیمات و رفتارهای او برایش آشکار شده، به دنبال تغییر در نگرش^{۸۷} و رفتار برآید.
۷. بتواند نظریات مختلف در مورد «سعادت»، «کمال»، «عدالت» و «ایمان» را در یک جدول تطبیقی ارائه کند به گونه‌ای که این مفاهیم از مفهومی اجمالی برای مخاطب به مفاهیمی دارای شاخص قابل اندازه‌گیری تبدیل شود.
۸. مدعیات روان‌شناسی رشد و روان‌شناسی تربیتی^{۸۸} را بشناسد^{۸۹} و بتواند در یک جدول تطبیقی با نظرات اسلام^{۹۰} مقایسه کند.
۹. مدعیات جامعه‌شناسی^{۹۱} را بشناسد و بتواند در یک جدول تطبیقی با نظرات اسلام مقایسه کند.
۱۰. بتواند مکاتب مختلف اخلاقی را در یک جدول تطبیقی با مکتب اخلاقی اسلام مقایسه کند و مخاطب را برای حکم به برتری آن به قضاوت بکشاند.
۱۱. بتواند راجع به فرهنگ و مهندسی فرهنگی و ابزارهای فعال^{۹۲} مثبت و منفی در این مورد مقاله‌ای علمی ارائه کند.
۱۲. بتواند رابطه نگرش‌ها، قوانین و فرهنگ‌ها را به صورت معادلات راهبردی ارائه نماید و نقش ذهن، خواطر، گرایش‌ها و تمایلات و دریافت‌های قلبی در تغییر رفتارها را تبیین کند و برنامه عملیاتی برای بهینه‌سازی آنها عرضه نماید.

^{۸۵} مثلا: اخلاق مدیریت، اخلاق خانواده، اخلاق حکومت، اخلاق رسانه، اخلاق آموزش، اخلاق پزشکی، اخلاق بین‌الملل، اخلاق نقد، اخلاق جنسی، اخلاق زیستی، و ...

^{۸۶} مثلا: برای بحث در اخلاق پزشکی، فضای حاکم بر سیستم بهداشت و درمان استخراج شود.

^{۸۷} مبانی نگرشی تولید اعتباریات در بحث از مکاتب حقوقی و اخلاقی ارائه می‌شوند.

^{۸۸} در بحث شخصیت و هویت، رفتار، لایه‌های شخصیتی، مراحل رشد، تربیت، مدل‌های تربیتی، منشاء ناهنجاری‌های رفتاری، مدیریت احساس، هوش هیجانی، انگیزش، و ...

^{۸۹} در فضای موضوع‌شناسانه

^{۹۰} که متخذ از متخصصین رشته اخلاق و فرهنگ اسلامی است. (این هدف در سطح تخصصی تبدیل به استخراج نظر اسلام و اثبات برتری آن، می‌شود).

^{۹۱} در بحث نیاز، رفتارهای اجتماعی، گروه‌های اجتماعی، ارزش‌های اجتماعی، فرهنگ، جامعه‌پذیری، اقشار اجتماعی، هنجارها و ناهنجاری‌های اجتماعی، توسعه انسانی، و ...

^{۹۲} رسانه و فرهنگ‌سازی رسانه‌ای، تبلیغات و جنگ‌های روانی، بازی‌ها و مدها و ... را موضوع‌شناسی کند.

۱۳. بتواند نگرش خود به اخلاق را از «دستوراتی برای تغییر رفتارهای فردی» به «معادلات مهندسی فرهنگی جامعه» ارتقاء بخشد به گونه‌ای که در جلسات مشاوره فرهنگی برای مجموعه‌ها و سازمان‌ها، احکام اخلاقی اسلام را با زبان مهندسی فرهنگی و برنامه راهبردی برای تحقق آن ارائه نماید.
۱۴. بتواند فهرستی از نقاط تعارض و تزاخم مسائل اخلاقی تهیه کند و راه‌حل آنها را ارائه نماید به گونه‌ای که مخاطب هنگام مواجهه با این موارد، بتواند تصمیم صحیح بگیرد و رفتار درست را بروز دهد.
۱۵. بتواند رفتارها و تصمیمات شخصیت‌های مرجع و الگو (اعم از معصومین، علماء و بزرگان) و وقایع و داستان‌های اخلاقی را برای دستیابی به ملاک تصمیم و رفتار، تحلیل کند و با شواهد و مستندات طوری به مخاطب ارائه نماید که موجب فعال‌سازی او برای ایجاد تغییر در رفتار شود.
۱۶. بتواند صفات اخلاقی مثبت و منفی را به گونه‌ای تبیین کند که مخاطب در عمل بتواند تشخیص دهد و اندازه‌گیری کند و برنامه قدم‌به‌قدم برای تقویت یا اصلاح آن در دست داشته باشد.
۱۷. مدعیات دوره‌ها و کلاس‌های موفقیت، ان.ال.پی، آرامش و تمرکز ذهن، یوگا، و ... را بشناسد و بتواند در یک جدول تطبیقی با نظرات اسلام، برتری مدل اسلام را به قضاوت مخاطب بگذارد و برنامه عملیاتی برای اجرای مدل اسلام به مخاطب عرضه کند.
۱۸. مهارت‌های زندگی^{۹۳} را بشناسد و بتواند براساس اخلاق و فرهنگ اسلام، دستورالعمل‌های قدم‌به‌قدم برای تحقق این مهارت‌ها ارائه نماید.
۱۹. بتواند برای هر موضوع اخلاقی و فرهنگی، حداقل یک آیه یا روایت ارائه کند.
۲۰. بتواند شیوه‌های تربیتی اخلاقی مختلف را در یک جدول تطبیقی ارائه دهد و تفاوت شیوه تربیتی عرفان با شیوه تربیتی اخلاق را با شواهد و مستندات نشان دهد.
۲۱. کیفیت عملیاتی کردن دستورات اخلاقی را در کارگاه عملی‌تمرینی^{۹۴} و کارگاه مدیریت فرهنگی، تمرین کرده باشد.
۲۲. حداقل شاخص‌های رفتاری سه‌گانه «تواضع، تمیزی و نظم» را در خود تبدیل به عادت کرده باشد.

حداقلی قطعی:

تواند فرهنگ اسلام را در موضوعات و جوانب مختلف زندگی با فرهنگ‌های رقیب مقایسه کند.

^{۹۳} مانند: مهارت تصمیم‌گیری، مهارت تفکر و حل‌مساله، مهارت نقد، مهارت ارتباط موثر، مهارت مشارکت و ... (بتواند مهارت‌های لازم برای زندگی را براساس نگرش اسلام تعریف و تدوین کند).

^{۹۴} مثلاً برای خوش‌خویی و کنترل غضب در کارگاه مدیریت احساس شرکت کند و با موقعیت‌های شبیه‌سازی شده طغیان غضب روبرو شود و عکس‌العمل خود را مدیریت کند و راهکارهای ارائه شده توسط استاد را به کار ببندد و با مشکلات و موانع مواجه شود و راه‌حل آنها را به‌دست بیاورد و دوباره به کار ببرد. یا در کارگاه حضور قلب در نماز شرکت کند و ...

چشم‌انداز فراگیرانی که در انتهای مقطع اسلام‌شناسی عمومی این مهارت‌ها را یافته‌اند این‌گونه است:

(ناظر بیرونی به وضعیت عمومی طلاب، آنها را این‌گونه توصیف خواهد کرد):

ما با افرادی روبرو شدیم که هر کدام دارای کتابخانه‌ای کوچک ولی علمی بودند، منابع دست‌اول، منابع مرجع اعم از کتاب، مقاله، لوح فشرده، نوار صوتی در یک طبقه‌بندی منظم که به سرعت برای بیننده قابل تشخیص بود قرار داشتند، در هر زمینه علمی مرتبط با رشته اسلام‌شناسی، منبعی قابل توجه وجود داشت. هر کدام از این افراد رایانه‌ای داشتند که به جای موسیقی، عکس و فیلم، حاوی یادداشت‌ها و اطلاعات الکترونیکی دیگر بود که دقیق اسم‌گذاری شده و دقیق آدرس‌دهی شده بودند. هر کلیدواژه مرتبط با علوم و معارف اسلام و علوم انسانی را که در قسمت جستجو وارد می‌کردید، نتیجه‌ای بازیابی می‌شد. اطلاعات صرفاً به خاطر جالب بودن گردآوری نشده بودند بلکه برای هر یک کاربردی ملاحظه شده بود.

هر یک از طلاب، هنگام مواجهه با سوال و مسأله‌ای، بلافاصله به سراغ منابع و کتاب‌ها نمی‌رود بلکه کاغذی به دست گرفته و شروع به تفکری مرحله‌به‌مرحله برای حل مسأله می‌نماید و سعی می‌کند تا پاسخی اولیه را برای مطلب تولید کند. سپس برای بررسی و ارزیابی پاسخ تولید شده، به سراغ منابع می‌رود، ولی نه به صورت کور و بدون برنامه، بلکه با تعریف کلیدواژه‌های ترکیبی برای جستجو، در کمترین زمان بیشترین نتایج مرتبط را هم در میان کتاب‌ها هم مقالات و هم منابع الکترونیکی، منابع دیداری و شنیداری، منابع خطی، شخصیت‌های علمی مرتبط، مراکز علمی مرتبط، و در میان کتاب‌ها و یادداشت‌ها و فایل‌های شخصی خودش بازیابی می‌کند، اعتبارسنجی کرده، دسته‌بندی می‌کند و در یک ساختار منطقی علمی و تالیفی به صورت یک نوشته یا سخنرانی ارائه می‌نماید.

ما طلابی را دیدیم که حوصله و اشتیاق مطالعه داشتند و با خواندن چند صفحه از یک کتاب خسته و بی‌حوصله نمی‌شدند و گاه ساعت‌ها مطالعه می‌کردند، فکر می‌کردند، یادداشت برمی‌داشتند، کتاب‌ها را با هم مقایسه می‌کردند و سرانجام می‌توانستند نتیجه مطالعات خود را به دقت توضیح دهند.

هنگامی که طلاب در یک درس یا سخنرانی علمی شرکت می‌کردند، دقیقاً می‌دانستند که این درس یا سخنرانی، چه اثر و کاربردی دارد و چگونه باید از آن در زندگی استفاده کرد. طلاب در درس‌ها فقط شنونده نبودند بلکه فعالیت اصلی درس را که یافتن پاسخ مسأله و حل مشکلی بود با هدایت استاد به‌عهده داشتند.

تمام طلاب دارای برنامه‌ریزی درازمدت بودند و اوقات ۲۰، ۳۰ و ۵۰ ساله برای خود داشتند و مرحله‌به‌مرحله نشاط و انگیزه ادامه راه در آنها بیشتر دیده می‌شد.

گفتگوی علمی با این طلاب واقعا مهیج بود، مطالب تو را به دقت گوش می‌دادند، سپس به زبان قالب‌های منطقی در می‌آوردند اشکال و حفره موجود در تفکرت را با قاعده و مثال‌های ملموس نشان می‌دادند. و هنگامی که خود استدلال می‌کردند برهان و دلیل را قدم‌به‌قدم به‌گونه‌ای شفاف بیان می‌کردند که جای هیچ گفتگوی دیگری باقی نمی‌ماند. در هر موضوعی که درخواست تحقیق می‌شد، طرح‌نامه تحقیقی منسجم و کاربردی‌ای را تنظیم می‌کردند و بر اساس برنامه همان طرح، نتایج را ارائه می‌نمودند.

واقعا جالب بود که در هر گفتگویی، وقتی نظر اسلام را راجع به موضوعی قدیمی یا جدید می‌پرسیدیم، بلافاصله آیه‌ای از قرآن را می‌خواندند و آن را از روی قرآنی که در جیب داشتند نشان می‌دادند و مقصود آیه و تطبیق آن بر موضوع را با استناد به تفاسیر توضیح می‌دادند. همین کار را با احادیث نیز انجام می‌دادند و چنان آیات و احادیث را ترجمه می‌کردند که گویا آیات و روایات همین امروز نازل شده است و ما مستقیماً مخاطب خداوند و پیامبر هستیم..

جالب‌تر اینکه ابتدا جایگاه موضوع را در شبکه موضوعات و مسائل توصیف می‌کردند به گونه‌ای که خود ما تصویرمان از موضوع دچار تغییر و ارتقاء می‌شد، سپس نظر اسلام راجع به موضوع را ارائه می‌کردند. فضای زندگی شهری، کشوری و جهانی و نظرات دیگری که در فضای علمی و اجتماعی رواج داشتند و رقیب نظر اسلام محسوب می‌شدند را خوب می‌شناختند و جداول مقایسه‌های تطبیقی از آنها را رسم می‌کردند و بدون اینکه خودشان ادعا کنند که نظر اسلام برتر و بهتر است با دیدن جداول تطبیقی، مجبور بودی به برتری نظر اسلام اعتراف کنی!

هر کدام از آنها کتابی سه جلدی با عنوان «اسلام چه می‌گوید؟» دارند که تالیف خودشان است، در دفتر اول، نگرش‌ها و عقائد اسلام ارائه شده، در دفتر دوم، قوانین اسلام و در دفتر سوم فرهنگ و اخلاق اسلام.

در تمام این دفترها، نظر اسلام با ارائه آیات و روایات، مستند شده و سپس عقلانیت موجود در آنها با برهان ارائه شده و در نهایت با نظرات رقیب مقایسه شده است و در هر قسمت راهکارهای اجرایی برای تغییر از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب عرضه شده است. این افراد واقعا آینده‌ساز و از زمان جلوتر هستند و توانایی این افراد برای کاربردی کردن معارف دین در زندگی بسیار است.

مراجعه‌کنندگان مختلفی را می‌دیدیم که هر یک با خواسته‌ای می‌آمدند و با دستورالعملی قدم‌به‌قدم برای حل مشکل بازمی‌گشتند، یک نفر مشاوره تحصیلی داشت، نفر دیگر تنظیم قرارداد اجاره‌ای را طلب می‌کرد، دیگری حل بحران رفتاری موجود در خانواده‌اش را متقاضی بود، فردی برنامه فرهنگی برای سازمان خود مطالبه می‌کرد، طالب حقیقتی به دنبال حرکت در مسیر شهود الهی بود و راهنمایی‌های اولیه را درخواست می‌کرد و ...

وقتی به وضعیت زندگی و رفتاری خودشان نیز توجه می‌کردیم، مهارت خوبی در اجرای گفته‌هایشان مشاهده می‌شد و در یک جمله می‌توان گفت:

این طلاب، افرادی منطقی و موجه بودند که هر گاه با هر کدام از آنها گفتگو می‌کردی، قوت و استواری علمی، روحی و رفتاری و جستجوگری حقیقت و علم را در آنها لمس می‌نمودی. با دیدنشان به یاد خدا می‌افتادی و با نظر به زندگی‌شان ابدیت را مشاهده می‌کردی.

و الحمد لله رب العالمین

غره شعبان المعظم ۱۴۲۹

مشهد مقدس رضوی

شیخ عبدالحمید واسطی

بسم الله الرحمن الرحيم

چکیده

اهداف آموزشی حوزه‌های علمیه

در مقطع عمومی

(حداقل‌های قطعی)

چشم‌انداز کلی:

۱. نگرش، قانون و فرهنگ اسلام را در امور مختلف زندگی می‌داند و می‌تواند دانش خود را به‌گونه‌ای ارائه دهد (هم شفاهی و هم مکتوب) که:
 - أ. مخاطب بتواند مفاهیم و مطالب را تصور کند
 - ب. منطقی بودن آن را احساس کند
 - ج. برتری آن بر موارد مشابه را لمس نماید
 - د. (فراگیر) بتواند چرایی مطلب را ارائه کند
 - ه. بتواند در برابر نقدها پاسخ‌گو باشد
 - و. بتواند به سوال «براساس چه دلیل و مدرکی این مطلب را به اسلام نسبت می‌دهید؟» با استناد به منابع دست‌دوم که باید مقبولیت نسبی عمومی آنها را اثبات کند، پاسخ بگوید.
۲. بتواند متون دست‌اول اسلام را برای مخاطب عصر خود، به‌گونه‌ای ترجمه کند که مخاطب احساس کند در فضای متن قرار گرفته است و بتواند مقصود و مراد گوینده را با استناد به منابع تخصصی توضیح دهد.
۳. اخلاق حرفه‌ای مربوط به عالم دینی را می‌شناسد و رعایت می‌کند.
۴. پیش‌نیازهای علمی و مهارتی لازم برای ورود به مقطع تخصصی را احراز کند.

حداقل لازم در روش تحصیل:

بتواند یادگیری خود را از سطح فهم حافظه‌ای و فهم اولیه به فهم کاربردی ارتقاء دهد.

حداقل لازم در منطق:

بتواند گفتارها را به قالب‌های منطقی تبدیل کند و برهان یا مغالطه را استخراج نماید.

حداقل لازم در روش تحقیق:

بتواند مقاله‌ای علمی براساس ضوابط یک تحقیق معیار بنویسد.

حداقل لازم در ادبیات

بتواند کلام خداوند را ترجمه کند به گونه‌ای که مخاطب علاوه بر تصور معانی، حس موجود در عبارات را لمس کند.

حداقل لازم در دین‌شناسی:

بتواند دین را به گونه‌ای معرفی کند که مخاطب علاقمند به زندگی براساس نظرات دین شود.

حداقل لازم در تفسیر:

بتواند وقتی موضوعی مطرح می‌شود، آیات راجع به آن موضوع را به سرعت بازیابی کند و پیام خداوند در آن آیات را به گونه‌ای توضیح دهد که مخاطب بتواند در زندگی به کار ببرد.

حداقل لازم در حدیث:

بتواند احادیث معتبر برای انتقال نظر دین به مخاطب ارائه کند به گونه‌ای که مخاطب بتواند در زندگی به کار ببرد.

حداقل لازم در تاریخ:

بتواند حقایق تاریخی را به گونه‌ای کشف کند که برای ایجاد تغییر در آینده بهره‌بردار شود.

حداقل لازم در فقه:

بتواند قوانین خاص در هر موضوعی را از منابع فتوایی استخراج نماید و برتری و کارآمدی این قوانین را بر قوانین رقیب، عقلاً اثبات کند.

حداقل لازم در فلسفه:

بتواند شبکه هستی و نگرش دین به هستی را با استناد به برهان ترسیم کند.

حداقل لازم در کلام:

بتواند نگرش دین نسبت به هستی را با استناد به گزاره‌های دین ترسیم کند و برتری این نگرش بر موارد رقیب را با استدلال عقلی ارائه نماید.

حداقل لازم در عرفان:

بتواند امکان رسیدن به شهود خداوند، کیفیت این شهود و مراحل آن را تبیین کند.

حداقل لازم در اخلاق

بتواند فرهنگ اسلام را در موضوعات و جوانب مختلف زندگی با فرهنگ‌های رقیب مقایسه کند.

۱. بتواند یادگیری خود را از سطح فهم حافظه‌ای و فهم اولیه به فهم کاربردی ارتقاء دهد.
۲. بتواند گفتارها را به قالب‌های منطقی تبدیل کند و برهان یا مغالطه را استخراج نماید.
۳. بتواند مقاله‌ای علمی براساس ضوابط یک تحقیق معیار بنویسد.
۴. بتواند قرآن را ترجمه کند طوری که مخاطب علاوه بر تصور معانی، حس موجود در عبارات را لمس کند.
۵. بتواند دین را به گونه‌ای معرفی کند که مخاطب علاقمند به زندگی براساس نظرات دین شود.
۶. بتواند وقتی موضوعی مطرح می‌شود، آیات راجع به آن موضوع را به سرعت بازیابی کند و پیام خداوند در آن آیات را به گونه‌ای توضیح دهد که مخاطب بتواند در زندگی به کار ببرد.
۷. بتواند احادیث معتبر برای انتقال نظر دین به مخاطب ارائه کند به گونه‌ای که مخاطب بتواند در زندگی به کار ببرد.
۸. بتواند حقایق تاریخی را به گونه‌ای کشف کند که برای ایجاد تغییر در آینده بهره‌برداری شود.
۹. بتواند قوانین خاص در هر موضوعی را از منابع فتوایی استخراج نماید و برتری و کارآمدی این قوانین را بر قوانین رقیب، عقلاً اثبات کند.
۱۰. بتواند شبکه هستی و نگرش دین به هستی را با استناد به برهان ترسیم کند.
۱۱. بتواند نگرش دین نسبت به هستی را با استناد به گزاره‌های دین ترسیم کند و برتری این نگرش بر موارد رقیب را با استدلال عقلی ارائه نماید.
۱۲. بتواند امکان رسیدن به شهود خداوند، کیفیت این شهود و مراحل آن را تبیین کند.
۱۳. بتواند فرهنگ اسلام را در موضوعات و جوانب مختلف زندگی با فرهنگ‌های رقیب مقایسه کند.
۱۴. بتواند به آنچه می‌داند عمل کند.